

اروپا به دنبال عامل مشکل خود ساخته
کشف دوباره ناسیونالیسم | هم قدمی تا کجا؟ | پرونده بررسی اندیشه سیاسی این سینا
سیاست تبلیغی، سیاست معنوی

پنجره

۵۰۰ تومان

هفته نامه خبری - تحلیلی

سال ششم - شماره ۲۲۶ - شنبه ۴ بهمن ماه ۱۳۹۳ - صفحه ۱۰۰

W W W . P A N J E R E H W E E K L Y . I R

پرونده‌ای درباره آقا زاده‌ای به نام جهاد و خانواده‌ای
که شهادت رسمشان شده است

جهاد ادامه دارد...

همراه با دلنوشته‌ها و خاطراتی از دوستان شهید جهاد مغنیه
♦ میرگردی با حضور مستندسازی که
در لبنان و عراق حضور میدانی دارند



شد. وی در ادامه گفت اگر اسرائیلی‌ها خیال می‌کنند جبهه مقاومت سست و ناتوان و قدرتش فرسوده شده و دیگر آمادگی سابق را ندارد سخت در اشتباهند و بهتر است به جای عنوان اشتباه آن را حماقت نام دانست.

● نگرانی‌های اسرائیل

اگرچه برخی تفسیرها انگیزه اسرائیل از حمله اخیر را بحرانی کردن وضعیت منطقه و شدت دادن به درگیری‌ها می‌دانند اما برخی هم معتقدند هدف اسرائیل ارسال این پیام به حزب‌الله بوده که با حضور نظامی‌اش در جولان از خطوط قرمز اسرائیل عبور کرده است و باید به همان زمین بازی سابق در جنوب لبنان باز گردد. یک منبع امنیتی اسرائیلی به خبرگزاری فرانسه گفت: بالغرد اسرائیلی، افراد تروریست را که قصد داشتند از طریق سوریه علیه اسرائیل اقدام کنند بمباران کرده است.

ارتش اسرائیل در مزارع شبعا و جولان اشغالی به حالت آماده‌باش درآمده و پهپادهای شناسایی آن در آسمان جبل‌الشیخ و مزارع شبعا در حال پرواز هستند. از سوی دیگر اسرائیل هیچ بیانیه رسمی درباره هدف قرار دادن اعضای ارتش حزب‌الله منتشر نکرده اما وزیر جنگ آن یعنی موشه یعلون در یک گفت‌وگوی رادیویی تصریح کرده است: اگر حزب‌الله مدعی است افرازش در این عملیات کشته شده‌اند پس باید اول توضیح دهد این افراد در القنطره چه می‌کرده‌اند؟!

اما ژنرال بازنشسته اسرائیلی، یوآو گالات، معتقد است زمان این حمله با انتخابات پیش رو در اسرائیل بی‌ارتباط نیست، از سوی دیگر آلون بن دیوید، تحلیل‌گر نظامی اسرائیلی می‌گوید حمله به اعضای حزب‌الله در القنطره معادلات قبلی را به هم می‌ریزد و کانال ۱۰ اسرائیل هم اعلام کرد: سوال اساسی‌ای که ذهن اسرائیلی‌ها را مشغول خود کرده این است که با توجه به اینکه عکس‌العمل حزب‌الله قطعی است هر چند لزوماً سریع نخواهد بود، این واکنش چه زمانی و چگونه خواهد بود؟

این شبکه می‌افزاید: حزب‌الله از تجربه عملیات صخره مقاوم در جنگ غزه و انتقال جنگ به داخل خاک دشمن و به‌ویژه موشک‌باران فرودگاه بن‌گوریون توسط حماس استفاده کرده و در پی تقویت قدرتش در ورود به اسرائیل و کنترل شهرک‌های صهیونیستی برآمده است. حزب‌الله امروز اعتماد به نفس بالایی دارد؛ زیرا در سوریه تجربه جنگی گرانمایی به‌دست آورده است.

السفیر - ۱۹ ژانویه ۲۰۱۵

موجود ابر هم می‌زند؛ به‌ویژه تهدیدهایی که سیدحسن نصرالله در مصاحبه تلویزیونی‌اش مطرح کرد.

اما در راستای پس‌لرزه‌های بمباران نیروهای حزب‌الله در القنطره گردان‌های الناصر صلاح‌الدین در غزه (بازوی نظامی کمیته‌های مردمی) اعلام کردند که دشمن صهیونیست، زبانی جز زبان زور نمی‌فهمد لذا مقاومت باید پاسخ قاطعی بدهد و تاکید کردند خون شهدای القنطره وحدت جبهه مقاومت از فلسطین تا لبنان و ایران را تقویت می‌کند.

● پاسخ حزب‌الله: کی، کجا، چگونه؟

اهداف اسرائیل از ترور اعضای ارتش حزب‌الله هرچه بوده باشد اکنون این سوال مطرح است که حزب‌الله کی و کجا و به چه شکلی پاسخ خواهد داد.

به نظر می‌رسد طبق ارزیابی‌های خود اسرائیلی‌ها اصل پاسخ و عکس‌العمل آتی حزب‌الله قطعی باشد اما مکان و زمان و ماهیت این پاسخ محل تامل است و با توجه به رخ دادن این عملیات در خاک سوریه هر نقطه جغرافیایی خارج از لبنان می‌تواند محل پاسخ حزب‌الله به حمله اسرائیل باشد اما سوال دیگر این است که واکنش حزب‌الله سریع خواهد بود یا نه و اینکه آیا ماهیتی اطلاعاتی-جاسوسی خواهد داشت یا پاسخی نظامی خواهد بود و هم‌چنین آیا فقط حزب‌الله مسئولیت این واکنش را برعهده خواهد گرفت یا کل جبهه مقاومت وارد ماجرا خواهد شد که احتمال در گرفتن یک جنگ فراگیر و نامحدود را هم تقویت می‌کند.

طبق ارزیابی‌های منابع نزدیک به حزب‌الله پاسخ مقاومت به این تجاوز قطعی است اما حزب‌الله از روی انفعال و دست‌پاچگی عمل نخواهد کرد و منتظر زمان و مکان مناسب برای عملی کردن نقشه‌هایش خواهد نشست تا سر فرصت و با آرامش و احتیاط آن را پیاده کند.

این منابع می‌افزایند: اگر حزب‌الله شهادت یکی از نیروهایش در عدلون را با یک عملیات ویژه در شبعا پاسخ داد، حتماً واکنش نسبت به کشته شدن شش نفر از اعضای ارتشش بسیار دردناک‌تر و سخت‌تر خواهد بود اما مسلماً در چارچوبی که به یک جنگ فراگیر و همه‌جانبه منجر نشود، البته حزب‌الله آمادگی هر وضعیتی را خواهد داشت؛ زیرا ممکن است اسرائیل هم دست به اقدام‌های حساب‌نشده بزند و وارد ماجراجویی‌های خطرناک شود. مطمئناً صحبت‌هایی که سیدحسن نصرالله در مصاحبه اخیرش داشت، از گزینه‌های حزب‌الله خواهد بود به‌ویژه که دبیر کل حزب‌الله تاکید کرد هدف حملات اسرائیل به سوریه تضعیف محور مقاومت است که در زمان و مکان مناسب به آن پاسخ داده خواهد



شش مبارز حزب‌الله که فرزند عماد مغنیه هم در میانشان بود در عملیات اسرائیلی در القنطره سوریه به شهادت رسیدند.

آماده‌باش در اسرائیل

پاسخ حزب‌الله به عملیات تروریستی چه خواهد بود؟

جنگ کنونی سوریه نمایان و برای همه ثابت شود که این جنگ در واقع مبارزه محور مقاومت در برابر اسرائیل و برنامه‌هایش برای منطقه است.

دیگر هیچ شک و شبهه‌ای در ماهیت جنگی که حزب‌الله در سوریه درگیر آن شده باقی نمانده است؛ زیرا کاملاً مشخص شد اسرائیل حضور فعالی در جبهه مخالف دمشق دارد و تمام تلاشش را به کار می‌برد تا با سرنگونی بشار اسد، سوریه را از محور مقاومت جدا و سپس همین معادله را در لبنان هم پیاده کند. اسرائیل دیگر مثل سابق به پشتیبانی نظامی-لجستیکی جبهه النصره در مرزهای جولان و بمباران مناطق محدودی در سوریه اکتفا نمی‌کند. این بار دشمن صهیونیستی تصمیم گرفت با اجرای عملیات تروریستی پیامی دردناک برای حزب‌الله ارسال کند.

حمله اخیر اسرائیل هدفش ترسیم مرزهای شمالی بود که به گفته خود رسانه‌های اسرائیلی از النافوره در جنوب لبنان تا القنطره در جولان سوریه امتداد دارد و این یعنی حاشیه جغرافیایی وسیع‌تری برای تحرک مقاومت اسلامی فراهم شده درحالی‌که اسرائیلی‌ها کار سعی دارند با تغییر قواعد درگیری‌ها قدرت مانور حزب‌الله را محدود کنند و جلوی برنامه‌هایی را بگیرند که توازن

آنچه در القنطره رخ داد، مطمئناً نقطه عطفی در جنگ‌ها و درگیری‌های نامحدود بین حزب‌الله و اسرائیل خواهد بود. شش مبارز حزب‌الله که جهاد مغنیه، فرزند عماد مغنیه هم در میانشان بود در عملیات بمباران هوایی بالغردهای اسرائیلی در منطقه القنطره سوریه به شهادت رسیدند؛ منطقه‌ای که در مثلث بین مرزهای بی‌ثبات لبنان، فلسطین اشغالی و سوریه واقع شده است.

این درگیری این بار به شکل بی‌سابقه‌ای در خاک سوریه و مستقیماً بین تمامیت محور مقاومت و تمامیت اسرائیل رخ داد بدون اینکه واسطه‌ای در کار باشد یا جنگ نیابتی در بگیرد.

دیگر نمی‌توان گفت دست داشتن اسرائیل در بحران سوریه و برنامه‌اش برای کمک به مخالفان اسد در راستای ضربه زدن به محور مقاومت یک اتهام یا فرضیه پردازی است. آنچه در القنطره رخ داد چیزی نبود جز نشانه‌ای از قرار گرفتن جنگ داخلی سوریه در مسیر اصلی خودش پس از گذراندن یک دوره با هویت جعلی انقلاب علیه نظام یا جنگ شیعه و سنی، درست است که عملیات اخیر اسرائیل هزینه سنگینی به حزب‌الله تحمیل کرد اما از سوی دیگر باعث شد که چهره حقیقی



دیگر هیچ شک و شبهه‌ای در ماهیت جنگی که حزب‌الله در سوریه درگیر آن شده باقی نمانده است؛ زیرا کاملاً مشخص شد اسرائیل حضور فعالی در جبهه مخالف دمشق دارد



پایداری

پتجره

۲۵ | سال ششم | شماره ۲۲۶ | شنبه ۴ بهمن ماه ۱۳۹۳



جهزوا ملاجئکم

آقازاده‌ای به نام جهاد،
خاندانی به نام شهادت

مردان نسل قبل خانواده، همه شهید شده‌اند. نوبت به او می‌رسد تا پیمان این خاندان را با خون خویش امضا کند. رسماً مانند عمویش شد، همان گونه که اسمش بود. جهاد عماد مغنیه به خیل شهدای جهان اسلام پیوست تا درخت مقاومت را آبیاری کند و جان تازه‌ای بدان بخشد. رزمندگان مظلوم اما مقاوم حزب‌الله لبنان که در کنار دیگر مدافعین حرم به دفاع از مرزهای جبهه مقاومت مشغولند، به هنگام شناسایی منطقه مورد اصابت موشک بالگردهای رژیم صهیونیستی قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. عملیاتی که طی آن شش مجاهد از حزب‌الله لبنان به همراه شهید الله‌دادی از سرداران دلاور سپاه اسلام به شهادت رسیدند. حمله‌ای تروریستی که خارج از عرف و قواعد رفتارهای حزب‌الله و رژیم صهیونیستی بود و به سرعت از سوی مقاومت با انهدام سه دستگاه تانک و نفربر در مرز جولان پاسخ داده شد. سردار جعفری فرمانده سپاه پاسداران نیز در پاسخی منحصر به فرد به این اتفاق گفت: «ترکیب شهدای این حادثه نشان داد که ما در مسیر فتح قدسیم» هر چند رژیم صهیونیستی و مقامات آن اعلام کردند که هدف این حمله فرد دیگری بوده و سردار الله‌دادی به صورت تصادفی مورد هدف قرار گرفته است - که آن را می‌توان نشان از ترس و پرهیز از رویارویی با ایران دانست. جواب مقاومت همان است که سیدحسن نصرالله فرمود: «بکلمتین، جهزوا ملاجئکم/ دو کلمه: بروید پناهگاه!». نخستین واکنش غیررسمی به فاصله ۴۸ ساعت به مجروح شدن ۱۶ صهیونیست منجر شد.



تل آویو که خود یکی از اصلی ترین مولدان داعش محسوب می شود، به شدت از نقش آفرینی تروریستی داعش در منطقه استقبال می کند.

گرای النصره شلیک صهیونیست ها

چشم بند موشه دایان بر چشم تکفیری ها



محمد سلیمان

حمایت لجستیکی و مادی می کند و حتی گاهی اوقات برای حمایت از این گروه، مواضع ارتش سوریه را هدف قرار می دهد. کمک عملی اسرائیل به جبهه النصره کاملاً واضح است. نمی دانیم اسرائیل مطلع بوده است که افراد به شهادت رسیده عضو حزب الله یا ارتش سوریه یا دشمن النصره بوده اند، اما تل آویو برای حمایت از این گروه های تروریستی وارد عمل شد. گاهی اوقات اسرائیل به حملات مقدماتی دست می زند و زمینه را برای حمله النصره به برخی مناطق فراهم می کند.

در جریان نبرد غزه نیز پیوند علنی داعش و رژیم صهیونیستی به اندازه ای بود که تکفیری های وابسته به موساد، برگزاری راهپیمایی روز قدس را در حمایت از ملت فلسطین حرام اعلام کردند! گروهک تروریستی داعش، صراحتاً در بحبوحه نبرد غزه و به خاک و خون کشیده شدن کودکان و زنان بی دفاع فلسطینی اعلام کرد که برگزاری تظاهرات روز جهانی قدس ممنوع است. اعضای این گروه تروریستی هم چنین با لگدمال کردن پرچم فلسطین، اعلام کردند که باید به جای پرچم فلسطین، پرچم گروه داعش به اهتزاز در آید. داعش در اوج نبرد غزه اعلام کرد که فلسطین موجب فتنه است و هر کسی که پرچم فلسطین را به اهتزاز در آورد، به فتنه افروزی کمک کرده است! رژیم اشغال گر قدس نیز در مقابل، در طول نبرد ۵۱ روزه غزه، زمینه را برای کشتار بیشتر داعش در موصل و نینوا فراهم ساخت. به عبارت بهتر، یکی از اصلی ترین اهداف صهیونیست ها از استمرار نبرد غزه، ایجاد حاشیه ای امن برای افزایش اقدامات تروریستی و وحشیانه داعش و النصره در

شهادت جهاد مغنیه و دیگر شهدای مقاومت اسلامی لبنان در حمله اخیر رژیم صهیونیستی، بار دیگر پرده از پیوند

و قبحانه جریان های تکفیری و رژیم اشغال گر قدس برداشت. عملیات رژیم اشغال گر قدس در جولان، محصول همکاری مستقیم جبهه النصره و تل آویو بود. ارتباط دستگاه های امنیتی رژیم اشغال گر قدس و تکفیری های داعش و النصره به گونه ای است که دیگر مقامات تل آویو نیز قدرت انکار آن را ندارند. بی دلیل نبود که چندی پیش آویگدور لیبرمن، وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی در اظهاراتی که حتی موجب تعجب حامیان جنایات تل آویو در غرب شد، جریان های تکفیری را در زمره اولویت های تهدیدات امنیتی اسرائیل ندانست!

تحلیل گران مسائل امنیتی در منطقه، متفق القول هستند که جبهه النصره اطلاعاتی را به صهیونیست ها داده است تا بتوانند عملیات ترور پسر شهید عماد مغنیه را انجام دهند. ولید سکریه، کارشناس نظامی و امنیتی سوری در گفت و گو با شبکه الاخباریه در این خصوص می گوید: «همکاری های رژیم صهیونیستی با جبهه النصره کاملاً واضح است و این رژیم، گاهی اوقات برای حمایت از النصره مواضع ارتش سوریه را هدف قرار می دهد. تجاوزهای اسرائیل جدید نیست. اسرائیل با جبهه النصره در این مناطق روابطی قوی دارد و مجروحان آن ها را درمان می کند. علاوه بر این، از النصره

عراق و سوریه بود.

این چندمین بار است که ارتباط پشت پرده گروه های تکفیری و دستگاه های نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی بر همگان عیان می شود. در حال حاضر وجه اشتراک و پیوند دو جبهه النصره و داعش، حمایت رژیم اشغال گر قدس از هر دوی آنان است. سرمایه گذاری رژیم صهیونیستی در موصل و مناطق تحت اشغال داعش، خود

گویای مناسبات نزدیکی است که میان تل آویو و تکفیری ها برقرار است. در این میان، سران آل سعود نیز نقش یک واسطه را ایفا می کنند. اخیراً تل آویو در سرزمین های تحت اشغال داعش، اقدامات قابل تاملی صورت داده است. یکی از این اقدامات، سرمایه گذاری در موصل است. خرید زمین های موصل از عناصر تکفیری - در حالی که این زمین ها به صورت غیر قانونی در اشغال تکفیری ها قرار دارد - یکی از این موارد محسوب می شود. عبدالعزیز الظالمی، از اعضای پارلمان عراق با صدور بیانیه ای از تلاش رژیم صهیونیستی برای خرید اراضی و املاک شهروندان عراقی در برخی

از مناطق موصل پرده برداشته است. این افشاگری منجر به خشم ملت عراق و ملت های مسلمان شده است.

نخلة حسین، نماینده استان موصل در پارلمان عراق نیز جزئیات بیشتری را در خصوص همکاری تکفیری ها و صهیونیست ها در این استان جنگ زده بیان کرده است: «اسرائیل به طور غیرمستقیم از طریق تجار و شرکت هایی که از آن ها

حمایت مالی می کند، خانه ها و زمین های واقع در استان موصل را خریداری می کند. اهالی موصل به دو دسته تقسیم می شوند؛ آن هایی که طرفدار داعش هستند و آن هایی که هیچ منابع یا تمکن مالی ندارند و در شرایط سختی به سر می برند و مجبورند خانه خود را به تاجری عراقی یا شرکت هایی بفروشند که از سوی رژیم اسرائیل حمایت مالی می شوند. خود به مناطقی مشخص از خاک عراق و انتخاب بسیار دقیق این مناطق، اهدافی معین را دنبال می کند. برای مثال در موصل، داعش علاوه بر جنایات زیاد در حق مردم،



سرمایه گذاری رژیم صهیونیستی در مناطق تحت اشغال داعش، خود گویای مناسبات نزدیکی است که میان تل آویو و تکفیری ها برقرار است

صهیونیستی، قطر و ترکیه - که اصلی ترین حامی این گروه‌ها محسوب می‌شدند - تل‌آویو هم‌چنان به‌عنوان اصلی ترین حامی این گروه‌های تکفیری در صحنه باقی ماند و حمایت ریاض، آنکارا و دوحه از داعش نسبت به حمایت تل‌آویو از این گروه‌ها کمتر تر شد. البته کلیت این حمایت هم‌چنان به قوت خود باقی است. آنچه درباره داعش و النصره جالب توجه است اینکه این گروه اگر چه مدعی دفاع از حقوق مسلمانان است، اما در واقع برای دفاع از مسلمانان هیچ اقدامی صورت نداده و حتی گلوله‌ای به سمت اسرائیل شلیک نکرده است. در مقابل، قتل عام فجیع مسلمانان و اعدام دسته‌جمعی آنان به رویکرد روزمره داعش و النصره تبدیل شده است. هر اندازه دامنه و زمان نبرد میان ارتش و نیروهای مردمی عراق و سوریه در مقابل داعش و النصره افزایش می‌یابد، شواهد بیشتری از تعلق خاطر گروه‌های تکفیری و تل‌آویو کشف می‌شود.

تل‌آویو، نه تنها یکی از اصلی ترین حامیان تسلیحاتی و مالی گروه‌های تکفیری در منطقه محسوب می‌شود، بلکه در قالب یک مدیر صحنه، در حال رصد میدان‌های نبرد تکفیری‌ها و دادن اطلاعات و مشاوره‌های خاص به آن‌هاست. حتی حمایت‌های رژیم صهیونیستی از داعش، تنها مربوط به صحنه عملیات نظامی نمی‌شود، بلکه تل‌آویو برای اشغال عملی و جب‌به‌وجب زمین‌هایی که داعش در اختیار می‌گیرد برنامه دارد. پیوند وقیحانه تکفیری‌ها و تل‌آویو و بازی داعش در زمین صهیونیست‌ها، موضوعی نیست که دیگر بر کسی پوشیده باشد. تل‌آویو به‌شدت از نقش آفرینی تروریستی داعش در منطقه استقبال می‌کند. تل‌آویو که خود یکی از اصلی ترین مولدان داعش محسوب می‌شود، از سران این گروه تروریستی خواسته است تا عملیات خود در منطقه را در تکمیل خواسته‌های رژیم صهیونیستی صورت دهند. شهادت مظلومانه شهدای مقاومت و شهید جهاد مغنیه، یار دیگر پرده از چهره واقعی جریان‌های تکفیری و صهیونیست‌ها برداشته است. بدون شک زمان نابودی تکفیری‌های داعش و النصره توسط جریان‌های مقاومت بسیار نزدیک‌تر از زمانی است که تصور می‌شود. از این رو ترکش عملیات انتقام‌جویانه و مقدس حزب‌الله که به خون‌خواهی شهید جهاد مغنیه و دیگر شهدای مقاومت صورت می‌گیرد، نه تنها متوجه صهیونیست‌ها نخواهد بود، بلکه تکفیری‌های وابسته به داعش و النصره نیز طعم این انتقام سخت را به‌زودی خواهند چشید.

عمیق از جنس رابطه یک مولد تروریسم یا مهره‌های انتحاری خود است.

فاضل الربیعی، تحلیل‌گر عراقی در این خصوص می‌گوید: «موضوع توسعه و بقای داعش، دیگر بحثی نیست که صرفاً به مبارزه دولت عراق با یک گروه تروریستی مرتبط باشد، بلکه مستقیم با پروژه «دولت یهودی» گره خورده است. به عبارت دیگر، وجود دولت اسلامی عراق و شام، زمینه‌ای است که آمریکا و اسرائیل برای توجیه وجود یک دولت یهودی، به آن نیاز دارند. شما به خشونت وحشیانه‌ای که در آغاز تشکیل رژیم اسرائیل از سوی صهیونیست‌ها از سوی مردم عادی اعمال می‌شد، دقت کنید. اکنون مشابه همین خشونت وحشیانه از سوی داعش علیه همه اقوام و مذاهب اعمال می‌شود. خروج انگلیسی‌ها از فلسطین، شکل‌گیری رژیم صهیونیستی را در پی داشت و اکنون، خروج آمریکا از عراق ظهور و توسعه فعالیت داعش را در پی داشته است».

نکته دیگر اینکه صهیونیست‌ها با تفسیری که از متون تحریف شده یهودی دارند، بیرون راندن همه غیریهودیان از سرزمین‌های مدنظر خود را توجیه می‌کنند و داعش نیز با بهره گرفتن از همین ابزار، اجازه حضور هیچ مخالفی را در محدوده تحت کنترل خود نمی‌دهد. هدایت بازی داعش و دیگر گروه‌های تکفیری از سوی رژیم صهیونیستی در اینجا بیش از پیش نمایان می‌شود. هم‌پیمانی داعش و صهیونیست‌ها در خصوص ایجاد بحران و تشنج مزمن در خاورمیانه بارها به اثبات رسیده است. اوج این هم‌پیمانی در جریان نبرد غزه قابل مشاهده بود. نبردی که در آن رزمندگان مقاومت اسلامی فلسطین ضربات مهلکی را به تل‌آویو وارد کردند. هم‌چنین اعلام ممنوعیت تظاهرات روز قدس از سوی داعش نشان داد که این گروه متوحش تروریستی تا چه اندازه در سیاست‌ها و رفتارهای خود، پیرو صهیونیست‌هاست.

هر اندازه زمان می‌گذرد، شواهد و نشانه‌های بیشتر از هم‌پیمانی داعش و رژیم صهیونیستی منتشر می‌شود. پس از فرسایش گروه‌های تکفیری در سوریه و شکست مشترک دستگاه‌های امنیتی عربستان سعودی، رژیم

تکفیری‌ها با بازماندگان موشه‌دایان و مناخیم بگین است. ارتش عراق اخیراً موفق شده است در نبرد با داعش، مقداری از سلاح و مهمات آن‌ها را به دست آورد که به صورت کامل، ساخت رژیم صهیونیستی است. پیش از این نیز شبکه‌های اجتماعی با انتشار فیلمی از حضور یک افسر اسرائیلی در کنار اعضای داعش پرده برداشته بودند که در حال اعدام یک نوجوان موصلی بودند. حال سوال اینجاست که چه عواملی موجب شده است که نیروهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی تا این اندازه در میان گروه‌های تکفیری حضور پیدا کرده و تا این حد به آن‌ها اعتماد و اطمینان پیدا می‌کنند که به خرید اراضی و املاک در مناطق تحت اشغال داعش می‌پردازند یا حتی این قدر به داعش نزدیک باشند که در اجرای حکم اعدام آن‌ها نیز نقش داشته باشند؟ هم‌چنین این سوال مطرح است که انگیزه نیروهای نفوذی صهیونیستی از خرید املاک در مناطق تحت اشغال داعش چیست؟ در این میان، همه احزاب و گروه‌های صهیونیستی اعم از کادیما، لیکود، کارگر، شاس و... حمایت از گروه‌های تکفیری در خاورمیانه را در زمره استراتژی‌های اصلی خود در حوزه سیاست خارجی مورد ارزیابی قرار داده‌اند. از این رو حمایت از داعش و النصره و دیگر

گروه‌های متوحش تروریستی - تکفیری، موضوعی تاکتیکی در سیاست خارجی تل‌آویو محسوب نمی‌شود و به مثابه یک استراتژی کلان در این حوزه مورد توافق احزاب مختلف صهیونیستی قرار گرفته است. بی‌دلیل نیست که در اوج ماجرای درگیری‌ها و منازعات سیاسی در داخل سرزمین‌های اشغالی، هیچ یک از احزاب مخالف نتانیاها وارد حوزه انتقاد نسبت به حمایت نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی از گروه‌های داعش و النصره نمی‌شود.

پیوند مستقیم داعش و رژیم صهیونیستی، نه به‌عنوان یک موضوع قراردادی، بلکه متعاقب یک رابطه از بالا به پایین تعریف شده است. به عبارت بهتر، آنچه صهیونیست‌ها و گروه‌های تکفیری را به یکدیگر پیوند می‌دهد، تنها یک اتفاق نظر کلی بر سر ایجاد بحران در خاورمیانه نیست، بلکه رابطه‌ای



مقاصد دیگری را دنبال می‌کند. پس از حملات داعش به تل‌عفر در استان نینوا و آوارگی نزدیک به ۹۸ درصد اهالی این شهر، بیش از ۳۰۰ خانواده چینی و افغانی در آنجا سکونت گزیدند. خانواده‌های چینی و افغانی در خانه‌های شیعیان تل‌عفر زندگی می‌کنند. صهیونیست‌ها از حضور در مناطق تحت اشغال داعش و خرید اراضی این شهرها، اهداف متعددی را دنبال می‌کنند، یکی از این اهداف، قوت قلب دادن به تکفیری‌ها در خصوص ادامه عملیات وحشیانه آن‌ها در منطقه است. رژیم صهیونیستی با حضور مستقیم در مناطق تحت اشغال داعش می‌خواهد در وهله اول به قوام دولت خودخوانده داعش کمک کند و در وهله دوم اگر موفق به این کار نشود، باز فعالیت این گروه‌ها را در شرایط نوین در مسیر اهداف و سیاست‌های خود هدایت کند. به عبارت بهتر، صهیونیست‌ها در صدد مدیریت تحولات میدانی موصل و دیگر نقاط تحت کنترل تکفیری‌ها از نزدیک هستند. مشابه این مناسبات نیز میان صهیونیست‌ها و جبهه النصره ایجاد شده است.

جبهه النصره در سوریه، مورد حمایت همه‌جانبه رژیم اشغال‌گر قدس قرار دارد. آموزش نیروهای تکفیری توسط صهیونیست‌ها و مداوای مجروحان جنگی آن‌ها در بیمارستان‌های تل‌آویو و دیگر شهرهای سرزمین‌های اشغالی، بیان‌گر تعلق خاطر مستقیم و عمیق



آموزش و مداوای مجروحان تکفیری‌ها توسط صهیونیست‌ها بیان‌گر تعلق خاطر عمیق تکفیری‌ها به بازماندگان موشه‌دایان و مناخیم بگین است



موقعیت قنيطره و جهاد مغنیه در گفت و گو با حسين رويوران

حزب الله هوشيار باشد

سید حسن نصرالله

در حالی که منطقه جولان سوریه در ماه‌های اخیر شاهد درگیری نیروهای ارتش سوریه و عناصر تکفیری بوده، هفته گذشته تجاوز بالگردهای ارتش صهیونیستی و شلیک موشک از جانب آن‌ها باعث شهادت چند عضو حزب الله و تعدادی از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد. دبیر کل حزب الله لبنان به این اقدام رژیم صهیونیستی با عبارت «پناهگاه‌ها یتان را آماده کنید» پاسخ داده است. حسین رويوران معتقد است این حمله باید با محاسبه دقیق زمان و مکان از سوی حزب الله لبنان صورت گیرد و حزب الله با غافلگیری، پاسخ تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی را خواهد داد. متن کامل گفت و گو با حسین رويوران، کارشناس مسائل خاور میانه را در ادامه می‌خوانید:

در واقع عملیات و فعالیت‌های حزب الله در آن منطقه برای پاکسازی منطقه از لوث گروه‌های تکفیری است که ارتباط مستقیمی با اسرائیل دارند. لذا حضور این نیروها کاملاً طبیعی و تعریف‌شده، در چارچوب همکاری حزب الله با دولت سوریه بود. اما دخالت رژیم صهیونیستی موضوع ناهنجاری بود. خارج از چارچوب‌ها و غافلگیرکننده بود و به همین خاطر منجر به شهادت این افراد شد.

○ آیا این اقدام و حمله رژیم صهیونیستی برای به میدان جنگ کشاندن حزب الله لبنان است؟

رژیم صهیونیستی به همین نیت به کاروان

○ علت حضور شهید جهاد مغنیه و همراهان وی در منطقه قنيطره سوریه چه بوده است؟

شهید جهاد مغنیه در شاخه نظامی حزب الله و در چارچوب همکاری حزب الله در سوریه فعالیت داشت و از آنجا که منطقه مرزی در بلندی‌های جولان در اختیار گروه تکفیری جبهه النصره قرار داشت، جهاد عماد مغنیه و دیگر همراهان او به عنوان نیروهای اطلاعاتی-عملیاتی در این منطقه حضور پیدا کردند که تصویری از وضعیت منطقه منعکس کنند و در نهایت عملیات بعدی برای پاکسازی این منطقه از نیروهای تکفیری انجام شود.

حزب الله حمله کرده است و این یک نوع تحریک سید حسن نصرالله و پاسخ اظهارات اخیر او و به مبارزه طلبیدن حزب الله است و به این معناست که این حزب را وارد جنگی ناخواسته کند.

اما اینکه در چه زمان و مکان و با چه شیوه‌ای واکنش نشان دهد جزء مختصات حزب الله است که در چارچوب محاسبات خود این کار را انجام خواهد داد. بحث دومی که الان وجود دارد این است که رژیم

صهیونیستی اکنون در حال انتخابات زودهنگام است که تا ۲۶ اسفند برگزار می‌شود و جریان راست افراطی اسرائیل به دنبال این است که شرایط را امنیتی کند زیرا در شرایط امنیتی، جامعه نگرانی‌های بیشتری دارد و جریان راست افراطی با شعارهای افراطی‌اش می‌تواند رای مردم را به خود جلب کند. نظر سنجی‌ها نیز نشان می‌دهد که حتی ائتلاف حزب کار و حزب حرکت، نسبت به حزب لیکود یعنی

حزب نتانیا هو، برتری دارند. به همین دلیل نتانیا هو به دنبال این است که فضا را به نفع خود رقم بزند تا اینکه جناح راست در اسرائیل با شعارهای ائتلافی گری بتواند رای بیشتری در این انتخابات داشته باشد.

لذا من تصور می‌کنم حزب الله باید با محاسبه دقیق سیاسی، زمان و مکان حمله را انتخاب کند و در چارچوبی عمل نکند که ابزاری برای کمک به راست سیاسی رژیم صهیونیستی در انتخابات فعلی باشد.

حزب الله می‌داند که هرگونه عملیات نظامی پیامدهایی دارد و شرایط منطقه را پیچیده‌تر می‌کند و در نهایت این عملیات روی انتخابات قطعاً تأثیرگذار است. لذا رفتار حزب الله نباید به گونه‌ای باشد که براساس برنامه‌ریزی دشمن پیش برود. حزب الله سعی می‌کند مستقل از این مسائل واکنش خود را انجام دهد و پاسخ به این حمله را با توجه به استراتژی خود در زمان مناسب خواهد داد. در نهایت باید گفت حزب الله

حزب الله
سعی می‌کند
مستقل از
این مسائل
واکنش
خود را انجام
دهد و
پاسخ به
این حمله را
با توجه به
استراتژی
خود در
زمان مناسب
خواهد
داد

بیشتری برای مقابله داشته باشند برای شناسایی منطقه قنيطرة به آن منطقه بروند که در پی عزیمتشان این اتفاق رخ داد و رژیم صهیونیستی که طبق قرارداد ترک مخاصمه میان سوریه و رژیم صهیونیستی که در سال ۱۹۷۴ به امضا رسیده - نباید هواپیماها و هلی کوپترهای خود را خارج از منطقه جولان به حرکت درآورد، به آن‌ها حمله کرد و این تجاوزی به اراضی سوریه تلقی می‌شود و در واقع نقض آتش‌بس ۱۹۷۴ میان سوریه و رژیم صهیونیستی است.

از طرف جبهه النصره گزارش‌های دقیقی درباره تحرکات فرماندهان نظامی از جمله جهاد عماد مغنیه به رژیم صهیونیستی رسانده بود و این رژیم که در ۳۰ سال گذشته ضربه‌های شدیدی از عماد مغنیه، پدر جهاد مغنیه، خورده بود و فرماندهان نظامی ارتشش کینه شدیدی نسبت به خانواده مغنیه داشتند، از جهاد عماد مغنیه انتقام گرفتند. به یاد داریم که عماد مغنیه هم در سال ۲۰۰۸ در دمشق توسط انفجاری که رژیم صهیونیستی سازماندهی کرده بود به شهادت رسید و اکنون نیز فرزند ایشان در میدان نبرد و درست در نزدیکی‌های ارتفاعات جولان که تحت اشغال رژیم صهیونیستی است شهید شد. آینده منطقه پر از رمز و راز و بحران است و احتمالاً جنگ جدیدی در لبنان و بخش‌هایی از جولان و قنيطرة یعنی در جنوب غرب سوریه و هم‌چنین جنوب لبنان، طی هفته‌ها و ماه‌های آینده رخ خواهد داد. طبیعی است تجاوز رژیم صهیونیستی به مردم لبنان و مردم سوریه بی‌جواب نخواهد ماند و حزب‌الله پاسخ مناسب را در زمان و مکان مناسب خواهد داد ولی بروز یک جنگ در منطقه مخصوصاً لبنان، اجتناب‌ناپذیر است. در واقع اظهارات اخیر سیدحسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله لبنان نشان داد که رژیم صهیونیستی به‌شدت نسبت به افزایش توانمندی‌های حزب‌الله نگران شده، بنابراین تلاش می‌کند تا جنگ جدیدی را بر حزب‌الله تحمیل کند اما حزب‌الله با تانی و صبر و بردباری در زمان و مکان مناسب انتقام شهدای حزب‌الله را از رژیم صهیونیستی خواهد گرفت و این رژیم که ناکارآمدی خود را در جنگ‌های محدود میدانی چه در غزه و چه در جنوب لبنان نشان داده، در واقع در آینده با جنگی از نوع جدید مواجه خواهد شد و همان‌طور که سیدحسن نصرالله اعلام کرد، این جنگ موجب خواهد شد که حزب‌الله به‌سمت منطقه الجلیل حرکت کند و حتی تل‌آویو را نیز با موشک مورد حمله قرار دهد. ■



آینده منطقه، پر از رمز و راز و بحران است و احتمالاً جنگ جدیدی در لبنان رخ خواهد داد.

انتقام در زمان و مکان مناسب

وقتی اطلاعات جبهه النصره به کمک صهیونیست‌های آید

راه پدر خود را طی کرد و سرانجام به درجه رفیع شهادت نائل آمد. جهاد عماد مغنیه بارها آرزو کرده بود که مانند پدرش به شهادت برسد و عاقبت هم به آرزویش رسید. در روزهای اخیر گزارش‌هایی می‌رسید مبنی بر اینکه گروهک تروریستی جبهه النصره - که در مناطق لبنان نفوذ کرده‌اند - در صدد حفر تونل‌هایی برای ورود به مزارع شبعا و هم‌چنین ضربه زدن به مواضع حزب‌الله هستند. نگرانی‌هایی درباره ارتباط بین جبهه النصره با رژیم صهیونیستی و تشکیل اتاق مشترک بین این دو، کنجکاوی برخی از فرماندهان حزب‌الله را برانگیخت و برای اینکه واقعیت‌های میدانی را از نزدیک دنبال کنند به این منطقه عزیمت کردند که البته چون جبهه النصره عوامل نفوذی بسیار زیادی دارد، تحرکات فرماندهان توسط این گروه تروریستی به اسرائیل گزارش شد. بنابراین حضور جبهه النصره و احتمال اینکه این گروه با کمک رژیم صهیونیستی در آینده به لبنان و حزب‌الله حمله کند، موجب شده بود که یاران حزب‌الله برای شناسایی منطقه قنيطرة به آن منطقه بروند

شهادت جهاد عماد مغنیه، فرزند شهید عماد مغنیه نشان می‌دهد که شهادت یک نوع حرکت موروثی در خانواده ریشه‌دار مغنیه در لبنان است. فرزند عماد مغنیه راه پدر خود را ادامه داد و به‌خوبی می‌دانست که در منطقه کاملاً پرخطری در قنيطرة وارد شده و رژیم صهیونیستی در ارتفاعات جولان با استفاده از تجهیزات پیچیده ردیابی تمام تحرکات منطقه قنيطرة را زیر نظر دارد. جهاد عماد مغنیه به اتفاق چند نفر از فرماندهان برجسته حزب‌الله برای شناسایی منطقه اطراف ارتفاعات جولان به این منطقه اعزام شده بود که گروهک تروریستی جبهه النصره که در روستاهای اطراف قنيطرة مستقر هستند و اتاق جنگ مشترکی با رژیم صهیونیستی تشکیل داده‌اند، حضور فرماندهان نظامی حزب‌الله را در قنيطرة به رژیم صهیونیستی گزارش دادند و این رژیم با استفاده از بالگردها به گروه فرماندهان حزب‌الله حمله کرد و در نتیجه جهاد عماد مغنیه به شهادت رسید. ایشان دارای تحصیلات عالی‌تر از دانشگاه بیروت بود و یکی از جوانان پر شور و مومن عضو حزب‌الله بود که با آگاهی کامل

با غافلگیری، پاسخ تجاوز اخیر به رژیم صهیونیستی را خواهد داد و تهدیدهای خود را عملی خواهد کرد.

پیامدهای دیگر واکنش حزب‌الله را برای منطقه چگونه ارزیابی می‌کنید و آینده منطقه را چگونه می‌بینید؟ متأسفانه باید گفت شرایط منطقه پیچیده‌تر خواهد شد، علت پیچیدگی شرایط هم این است که سیدحسن نصرالله در آخرین مصاحبه‌ای که با شبکه المیادین داشته، اعلام کرده بود که از این پس هرگونه حمله به سوریه از طرف حزب‌الله پاسخ داده خواهد شد و این جمله، نوعی مبارزه طلبی حزب‌الله است. حزب‌الله هیچ‌گاه از مبارزه طلبی عقب‌نشینی نکرده است.

حزب‌الله قطعاً پاسخ خواهد داد. از آنجایی که عملیات در بلندی‌های جولان سوریه صورت گرفته، لذا تصور من این است که حزب‌الله از سوریه پاسخ خواهد داد و نه از لبنان. در سوریه به هم نیاز به هماهنگی با دولت سوریه دارد و این گونه نیست که چون حزب‌الله باید پاسخ دهد در هر جایی اتفاق می‌افتد، لذا شرایط تا حدودی پیچیده است و قطعاً حزب‌الله سعی می‌کند با سنجیدن همه مسائل تصمیم بگیرد و کار خود را انجام دهد.

حمله رژیم صهیونیستی توسط بالگرد نقض حریم هوایی سوریه محسوب نمی‌شود؟

مطمئناً نقض حریم هوایی دولت سوریه به حساب می‌آید و نوعی اعلان جنگ علیه دولت سوریه از لحاظ قانونی است. رژیم صهیونیستی همواره حریم هوایی سوریه را نقض می‌کرد و بالگردهای رژیم صهیونیستی همیشه در منطقه حضور داشتند و این بار نیز متوجه حضور گروه جهاد مغنیه و همراهان او شدند و تصمیم گرفتند که به آن‌ها حمله کنند.

این عملیاتی که رژیم صهیونیستی انجام داده براساس تصمیم سیاسی است که قطعاً باید بهای این تصمیم را هم بپردازند. لذا رژیم صهیونیستی همواره با حضور هوایی در آن منطقه دست به عملیات‌هایی در حمایت از تکفیری‌ها می‌زند و این اولین بار نیست که به مواضع نیروهای دولت سوریه در این منطقه حمله می‌کند. نکته دیگری که در خصوص این حمله باید گفت، این است که صهیونیست‌ها به دنبال ادامه بحران در سوریه هستند نه حل آن؛ زیرا حضور حزب‌الله در سوریه که به معنای کمک به دولت سوریه برای پاک کردن منطقه از لوث وجود تکفیری‌هاست، با موفقیت‌هایی روبه‌رو بوده است. ■



شرایط جغرافیایی منطقه قنطره این امکان را برای حامیان تروریست‌ها فراهم می‌کند تا اشراف کاملی بر سوریه داشته باشند.

گشایش جبهه‌ای جدید در جولان

چرایی و نیت صهیونیست‌ها از ترور

حادثه‌ای که غروب یکشنبه ۲۸ دی‌ماه در حوالی بلندی‌های جولان و منطقه عمومی قنطره رخ داد و منجر به شهادت پنج رزمنده حزب‌الله و یکی از فرماندهان سابق سپاه پاسداران شد، بدون تردید حامل پیام‌ها و دارای پیامدهای مختلفی خواهد بود. در ارزیابی این رویداد، تحلیل‌های بسیاری در رسانه‌های مجازی و مکتوب منتشر شده است که وجه مشترک همه آن‌ها این است که، تحلیل‌گران این حادثه را از منظر سیاسی بررسی کرده‌اند. لذا در تحلیل چرایی و نیت این اقدام رژیم صهیونیستی، دلایلی چون پاسخ به سخنان دو روز قبل سیدحسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله یا استفاده تبلیغاتی برای انتخابات آتی اسرائیل توسط نتانیاهو و حتی واکنش به مسئله احاله پرونده جنایات این رژیم در جنگ اخیر غزه به دادگاه بین‌المللی لاهه بیان شده است.

به اعتقاد نگارنده به استناد تحلیل‌های مبتنی بر اطلاعات دقیق کارشناسان خبره این حوزه که عموماً منتشر هم نشده است، این حادثه دلایل نظامی و امنیتی دارد. لذا اگر از منظر امنیتی و نظامی به تحلیل اتفاق اخیر بپردازیم به احتمال زیاد سرمنشأ

اتفاقات بزرگ‌تر و دامنه‌دارتری در منطقه خواهد بود. با نگاهی به وقایع ماه‌های گذشته در عرصه میدانی نبرد در سوریه، این حقیقت برای ما آشکار می‌شود که جبهه تروریست‌ها و حامیان آن‌ها در اکثر جبهه‌ها از مناطق مرکزی گرفته تا جبهه‌های شمالی، شکست را پذیرفته یا در حال پذیرش آن هستند و این واقعیتی است که تحت هیچ شرایطی برای طراحان اصلی این فتنه بزرگ و حامیان آن‌ها قابل قبول نیست. لذا باید دید که جبهه تروریسم و حامیان آن‌ها چگونه و با چه کیفیتی در صددند تا این شکست و ضعف را جبران کنند.

بیان این نکته از منظر نظامی لازم است که وقتی شما در چند جبهه شکست می‌خورید باید به دنبال عرصه و جغرافیای جدید برای مدیریت و استمرار نبرد باشید. تحرکات ماه‌های گذشته کشورهای حامی تروریست‌ها مانند رژیم صهیونیستی، اردن و ترکیه، حکایت از آن دارد که آن‌ها به دنبال گشایش جبهه‌ای جدید در منطقه حساس و ژئوپولیتیک جولان در سوریه هستند.

این منطقه از چند منظر دارای اهمیت است. اول اینکه این منطقه با قرار گرفتن در بین سه کشور لبنان، اردن و فلسطین اشغالی این امکان را برای حامیان تروریست‌ها فراهم

می‌کند تا بتوانند با اشراف کامل بر آن، به پشتیبانی و حمایت همه‌جانبه از این جبهه اقدام کنند.

مسئله حائز اهمیت دیگر این نکته است که اگر نبرد در این جبهه هم مانند دیگر مناطق به شکست انجامید، سرنواشی مانند شهر حمص پیدا نکند که ارتش سوریه بتواند تروریست‌ها را به‌طور کامل محاصره کند و بتوان به‌واسطه موقعیت جغرافیایی ویژه این منطقه، در صورت لزوم تروریست‌ها را نجات داد.

علاقم و شواهدی که موجب تقویت این فرضیه می‌شوند یکی اقدام رژیم صهیونیستی در پذیرفتن مجروحان تروریست‌ها و بستری کردن آن‌ها در بخش فلسطین اشغالی جولان بود که شخص نخست‌وزیر اسرائیل با حضور در آنجا و عیادت از مجروحان تکفیری این پیام روشن را ارسال کرد که بنا دارد فصل جدیدی حمایت از جبهه معارض سوریه و تروریست‌ها را بگشاید.

دلیل دیگری که این فرضیه را تأیید می‌کند، خبرهای غیررسمی است که حکایت از آموزش تعداد زیادی از نیروهای جدید تروریست در خاک دو کشور حامی تروریست‌ها برای ورود به عرصه میدانی نبرد سوریه دارد. پس با پذیرش این فرضیه نمی‌توانیم انتظار داشته

باشیم جبهه مقاومت که همواره در حال رصد و نظاره دقیق وقایع منطقه و به‌ویژه سوریه است، از این تحرکات غافل بوده باشد. لذا در این راستا اخبار تابیدنشده‌ای حکایت از آن دارد تیمی متشکل از نیروهای مقاومت که جوخه‌های ترور رژیم صهیونیستی آنان را به شهادت رساندند، در حال بررسی و ارزیابی منطقه جولان اشغالی در سوریه برای برنامه‌ریزی و آمادگی جهت مقابله با این توطئه بوده‌اند، که متأسفانه توسط صهیونیست‌ها شناسایی شدند و به شهادت رسیدند. اما واقعیتی که قابل انکار نیست، این مسئله است که رژیم صهیونیستی در صورتی که در پی ماجراجویی جدید اقدام به گشودن جبهه‌ای جدید در این منطقه علیه جبهه مقاومت کند، باید منتظر فوران خشم انقلابی مردم خشمگینی باشد که دهه‌ها سرزمینشان توسط صهیونیست‌ها اشغال شده است.

این مسئله در صورت بروز از این جهت دارای اهمیت خواهد بود که شرایط امروز سوریه با سال‌های گذشته بسیار متفاوت است. امروز سوریه به دلیل حضور تروریست‌ها و حمایت حامیان آن‌ها مملو از سلاح‌های وارداتی است که ممکن است در اختیار هر یک از مردم این منطقه قرار گرفته باشد و این خطری جدی و بالقوه برای امنیت رژیم صهیونیستی در صورت بروز درگیری در منطقه جولان خواهد بود.

و این بار دیگر نظام سوریه نمی‌تواند به‌عنوان یک دولت این اطمینان را به همسایگان و نظام بین‌المللی بدهد که می‌تواند مانع بروز این اتفاقات شود چرا که همین همسایگان بودند که وضع کنونی را از حیث امنیتی برای سوریه ایجاد کردند.

در ارزیابی این رویداد دیگر موضوعی که می‌شود بیان کرد، نحوه پاسخگویی حزب‌الله و جبهه مقاومت به این جنایت صهیونیست‌هاست. با نگاهی دقیق به تحولات منطقه بعید به نظر می‌رسد مقاومت زمان فعلی را برای پاسخگویی انتخاب کند. این مسئله دلایل مختلفی از جمله خواست رژیم صهیونیستی برای به هرج و مرج کشیدن اوضاع منطقه دارد، که به‌طور قطع مقاومت درگیر بازی صهیونیست‌ها نخواهد شد. در نهایت می‌توان گفت گذر زمان آینده وقایع منطقه را روشن خواهد ساخت.



نتانیاهو با حضور در بخش اشغالی جولان و عیادت از مجروحان تکفیری این پیام روشن را ارسال کرد که بنا دارد فصل جدیدی حمایت از جبهه معارض سوریه و تروریست‌ها را بگشاید

وعد الصادق

اسرائیل در هدف تروریستی خود ناکام ماند



که موساد به طرف مقابل وارد می کند تا بگوید به هیچ عنوان ما چیزی را فراموش نمی کنیم. البته در طرف مقابل نیز، همین اصرار در انجام عملیات ها وجود دارد. طرفین رهاکننده مسئله نیستند و هیچ موردی بدون انتقام بسته نمی شود.

نکته آخر اینکه حزب الله هیچ وقت در مورد مسائل حساس به جمهور خودش دروغ نمی گوید. یعنی جمهور حزب الله می دانند اگر چیزی به عنوان اعلان رسمی از شبکه تلویزیونی المنار اعلام می شود عین حقیقت است و غیر از این نیست. ممکن است حزب الله موضوع را مدتی مخفی کند اما وقتی اعلام می کند

عین حقیقت اعلام می شود هر چقدر هم دردناک باشد؛ زیرا به این اعتقاد رسیده اند که دروغ گفتن به جمهور خودشان دردناک تر و بدتر است. درباره این حمله نیز شایعات زیادی وجود داشت و حزب الله اعلام کرد که حجم عملیات همین قدر بوده و لاغیر و هر چقدر هم حجم عملیات دردناک باشد، حزب الله عین واقعیت را در مورد آن به طرفداران خودش می گوید.

در نتیجه هرگاه حزب الله هر چیزی را از رسانه خودش اعلام می کند جمهور حزب الله به درستی آن مطمئن هستند. تحقیقی در فلسطین اشغالی انجام شده بود که نشان می داد در فلسطین اشغالی مردم غاصب صهیونیست گفته بودند ما به کانال المنار بیشتر از کانال خودمان اعتقاد داریم و به صحبت سید حسن نصرالله بیشتر از مسئولان خودمان اعتماد داریم و می دانیم آن ها راستگو هستند. این اعتماد بین حزب الله و جمهور حزب الله را هیچ کس نتوانسته خدشه دار کند. این درس بزرگی است که اصل راستگویی را همواره مدنظر داشته باشیم و به هیچ دلیل و مصلحتی هیچ وقت جز حقیقت چیزی نگوئیم.

لازم به ذکر است شهید جهاد مغنیه در روضه الشهدیدین در کنار پدرش دفن شد و شهید ابوعیسی نیز در جنوب تشییع شد و بقیه شش شهید حزب الله در شهرهای خودشان به ترتیب تشییع خواهند شد. ■

بدین صورت بود که مزدوران موساد در یار کینگ خانه حسان منتظر مانده بودند وقتی او از ماشین پیاده شد با کلت و از فاصله کم به او شلیک کرده و او را به شهادت رسانده بودند. گروه دیگری هم در اسرائیل فرد اسرائیلی معادل حسان القیس را به همین روش به قتل رساندند.

نکته دیگر این است که اسرائیل برخی مواقع این حملات را به دلیل برخی مسائل

روانی انجام می دهد. یعنی مثلا بین اسرائیل و فردی که مورد هدف است تاریخچه ای وجود دارد.

اسرائیل سعی می کند پرونده ها را به ترور منتهی کند تا هر کسی که وارد این فضا شود بداند که حتی بعد از ۲۰ سال هم اسرائیل او را رها نمی کند. در خصوص شهید حسان القیس نیز شرایط به گونه ای پیش رفت که موساد برای کشتن وی بیش از سه بار عملیات انجام داد و به نتیجه نرسید و بار چهارم توانست وی را به شهادت برساند. دفعه اول شهید القیس مجروح شد و دو دفعه بعدی نیز ترور بی نتیجه و بی ثمر بود. این مسئله نشان دهنده فشار روانی است

حزب الله لبنان با کانال المیادین داشت و به عنوان یک اصل، اصل پاسخگویی به تمام این حرکات را گوشزد کرد، قطعا حزب الله به این حرکت پاسخ خواهد داد. اما در خصوص شکل این پاسخ بحث وجود دارد. حزب الله همان روز حمله اسرائیل به کاروان خودرو و از ارتفاعات شلیک کردند که دو طرف به سمت اسرائیل شلیک کردند. هم چنین در خصوص آن سکوت کردند. هم چنین

سه دستگاه خودروی اسرائیلی در همان مرز مورد اصابت قرار گرفت اما این پاسخ کافی نیست و نمی تواند حزب الله و مردم طرفدار حزب الله در لبنان را راضی کند. قطعا حزب الله در آینده نزدیک پاسخ شدیدی را نسبت به این ماجرا خواهد داد.

اما طبیعت این پاسخ ها به گونه ای است که طرفین درک خواهند کرد هر حمله پاسخ چه تجاوزی بوده است. به عنوان مثال یکی از رزمندگان حزب الله و نزدیکان جناب سید حسن نصرالله به نام حسان القیس را ترور کردند و به شهادت رساندند. چند روز بعد یک افسر امنیتی اسرائیل در اسرائیل به روشی کاملاً مشابه به قتل رسید اما حزب الله هیچ وقت مسئولیت آن کار را نپذیرفت. این ترور

جبهه قنيطرة از سمت جنوب به جنوب لبنان نزدیک است. جبهه النصره و گروه های تکفیری تلاش دارند که بتوانند آن منطقه

را تحت تصرف در آورند و به نحوی از آنجا جنوب لبنان را تحت تاثیر قرار دهند. این منطقه از طرف سوریه، هم مرز با شمال فلسطین اشغالی است؛ لذا برنامه جبهه النصره وارد شدن از سمت سوریه و در اختیار گرفتن قلعه محکم حزب الله در جنوب است. حزب الله نیز برای جلوگیری از این اتفاق برنامه هایی دارد. برای این برنامه ها باز دیدگاهی انجام می شود و عملیات هایی در جریان است.

چند روز گذشته و در پی به شهادت رسیدن چند تن از فرماندهان حزب الله لبنان، سه خودرو مورد حمله قرار گرفت اما نکته حائز اهمیت این است که رژیم صهیونیستی به دنبال به شهادت رساندن این افراد نبود بلکه هدف اصلی شخص دیگری بود که از حمله نجات پیدا کرد و در حقیقت کسانی که در این خودروها به شهادت رسیدند، هدف اصلی حمله نبودند. هدف حمله یک عنصر کلیدی از خود حزب الله بوده است. کسی که مورد هدف بوده مسئول پرونده عراق و سوریه و در واقع مسئول عملیات حزب الله در این دو کشور است و می شود گفت عماد مغنیه دوم در حزب الله به حساب می آید و کل حرکات و عملیات حزب الله زیر نظر این فرد انجام می شود.

در این میان یکی از فرماندهان میانی حزب الله در جنوب به نام حاج عیسی یا ابوعیسی به شهادت رسیده است. هم چنین پسر عماد مغنیه که جهاد مغنیه نام دارد در این کاروان خودرو بوده و به شهادت رسیده است و نیز سردار ایرانی محمدعلی الله دادی، بنابر این باید گفت حمله به هدف خود ترسیده است. علت حمله اسرائیل در این موقعیت و زمان تحلیل های مختلفی دارد. جای شک و تردیدی نیست که اسرائیل می داند حزب الله به این مسئله پاسخ خواهد داد، با توجه به مصاحبه ای که چند روز پیش سید حسن نصرالله، دبیر کل



کسی که
مورد هدف
بوده مسئول
پرونده عراق
و سوریه و در
واقع مسئول
عملیات
حزب الله
در این دو
کشور است
و می شود
گفت عماد
مغنیه دوم در
حزب الله به
حساب می آید



سردار اله دادی به دلیل شایستگی‌های اخلاقی و تخصصی مورد وثوق بزرگان در سپاه بود.

مقتدر و نقش آفرین

چند خط درباره سردار شهید محمد علی اله دادی



سردار شهید محمد علی اله دادی

سردار محمد علی اله دادی در حین بازدید از منطقه قتیظه سوریه مورد حمله بالگرد نظامی رژیم صهیونیستی قرار گرفت که بر اثر این

جنايته، اين سردار دلاور همراه با تعدادی از اعضای حزب الله به شهادت رسید. سردار علی اله دادی یکی از کسانی بوده که پیگیر کار انقلابی در آن منطقه بوده و جزو اولین کسانی بود که رساله حضرت امام (ره) را در منطقه زندگی‌اش توزیع می‌کرد. بعد از اینکه انقلاب پیروز شد به سپاه پیوست و با شروع جنگ تحمیلی به جبهه رفت. این سردار شهید، متولد سیرجان در استان کرمان بود. سال ۱۳۵۹ به اتفاق سردار شهید، زندگی‌نامه به جبهه‌های جنوب رفت و در کنار شهید حسین علم‌الهدی و شهدای دانشجو به مبارزه پرداخت. در جبهه شایستگی بالایی از خود نشان داد که به عنوان جانشین تیپ ادوات لشکری انتخاب شد. قبل از عملیات بدر در سال ۶۳ فرمانده گردان ادوات لشکر ثارالله شهید صادقی بود و جانشین او نیز سردار شهید زندی‌نیا. با شهادت سردار صادقی در این عملیات، زندی‌نیا فرمانده گردان می‌شود و شهید اله دادی فرمانده یگان

تطبیق آتش، تطبیق آتش نیازمند بهترین و باهوش‌ترین نیروها بود. نیروهایی که تخصص بسیار خوبی در مباحث

ریاضی داشتند. تطبیق آتش یعنی زاویه را به خوبی بشناسی و آتش را به آن نقطه هدایت کنی. اله دادی فرمانده این یگان بود. چهارم دی سال ۶۴ که عملیات کربلای چهار آغاز شد، شهید اله دادی توانست وارد جزیره ام‌الرصاص شود اما با توقف عملیات به عقب برمی‌گردد. دو هفته بعد در عملیات کربلای پنج فرمانده تیپ ادوات، یعنی شهید زندی‌نیا، دوست و همراه همیشگی این شهید بزرگوار، در خط به شهادت می‌رسد. قاسم سلیمانی در اثنای عملیات از پشت بی‌سیم دستور می‌دهد که محمد علی فرمانده تیپ رعد ادوات لشکر ثارالله شود. او تا پایان جنگ با این سمت در میدان جنگ باقی ماند. اوج اقتدار و نقش آفرینی این سردار بزرگوار در عملیات والفجر ۱۰



قاسم سلیمانی در اثنای عملیات از پشت بی‌سیم دستور می‌دهد که محمد علی فرمانده تیپ رعد ادوات لشکر ثارالله شود. او تا پایان جنگ با این سمت در میدان نبرد و جنگ باقی ماند

در منطقه مشرف به سلیمانیه عراق بود. بعد از پایان جنگ، به عنوان جانشین تیپ دوم صاحب‌الزمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) سیرجان برای تأمین امنیت با اشرار مبارزه می‌کردند و فرمانده تیپ صاحب‌الزمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) شدند. بعد از آن مدتی در تهران فرمانده تیپ محمد رسول الله (صلی‌الله علیه و آله وسلم) بودند. سپس فرمانده سپاه استان یزد شد و در خصوص تکفیری‌ها احساس تکلیف کرد و مشاور عملیاتی و برنامه‌ریز و طراح عملیات‌های حزب الله شد.

هدف او از رفتن به لبنان یاری چهره مقاومت بود. تشخیص این بود که آنجا بیشتر می‌تواند خدمت و مبارزه کند. با اصرار زیاد به لبنان رفت و در آنجا هم موفق بود.

او با درجه سررتیب دومی در سپاه بود. در سپاه خدمات ارزشمندی هم در جبهه و در دوران دفاع مقدس و هم در رابطه با امنیت پایگاه شرق کشور و گروهک‌های ضدانقلاب و اشرار داشت و نیز در کارهای فرهنگی تلاش می‌کرد. او سربراز وقادار به ولایت بود و وقتی هم که احساس کرد باید به کمک مردم مظلوم فلسطین، سوریه و لبنان برود، رفت و شهید شد.

او از نظر اخلاقی، تواضع و مدیریت، آدم بی‌نظیری بود. بعد از شهادت او تازه بستگانش فهمیدند که او در لبنان است. پیش از آن کسی نمی‌دانست که او در لبنان

و با احزاب کار می‌کند زیرا کسی غیر از حاج قاسم سلیمانی از این موضوع اطلاع نداشت و همزمان، همزمان و بستگان او محل خدمت او را نمی‌دانستند و این از تواضع، اخلاق و نجابت او بود.

در امر کمک‌رسانی به مردم همیشه پیشقدم بود و نگرانی و دلسوزی داشت. به خانواده شهید احترام و ارزش زیادی می‌گذاشت و در بین خانواده شهید نیز از احترام و ارزش زیادی برخوردار بود زیرا هم‌رمز شهید مهدی زندی و معاون وی بود که از شهدای شاخص لشکر ۴۱ ثارالله در زمان جنگ بود. مهم‌ترین خصوصیت و ویژگی او این بود که مطیع امر رهبری بود. قدمی جلوتر از اقا بر نمی‌داشت و مطیع مطلق امر ولایت بود. «مانند مردم کرمان در مجلس شورای اسلامی

تکرار تجربه سخت پدر

ایستادگی در برابر ترديد‌ها

سال ۹۱ در سفری که به سوریه داشتیم با جهاد عماد مغنیه آشنا شدیم و از آنجا باب رفاقت بینمان باز شد. آن زمان بجنوبه بحث سوریه بود و ما شاهد بودیم که دوستان حزب الله افتخار می‌کنند که زیر پرچم رهبری و پرچمی که ایران بلند کرده است قرار بگیرند. اینکه آن‌ها از مکتب خمینی کبیر و آرمان‌های انقلاب ما طرفداری و پیروی می‌کنند و می‌جنگند نشان می‌دهد آرمان‌های امام فارغ از مرزهای ما پیش رفته است. بنابراین پیوندی که بین شهدای لبنان و ایران است، آرمان‌های جمهوری اسلامی است یعنی مبارزه با صهیونیسم در خون هر دو گروه شهدای

جهاد واقعا به هدفش ایمان قلبی داشت. نه تنها ایشان بلکه تمام اطرافیان هم همین‌طور بودند. به‌هر حال او تربیت شده حاج رضوان بود. نکته‌ای در روایات ایشان که برای من خیلی جالب بود محبوبیت حضرت آقا نزد او بود، به‌شدت به رهبری علاقه‌مند بود، همیشه در بحث‌ها به فرمایشات حضرت آقا استناد می‌کرد و با ایمان قلبی به ایشان پایبند بود. شاید برای ما که نزدیک ایشان هستیم جای افسوس دارد که کسی با این فاصله و دوری این قدر به آقا علاقه‌مند است و اطاعت‌پذیر او اما ما هنوز این‌گونه نیستیم. چند باری دیدار آقا رفته بود و همیشه خیلی مشتاقانه از دیدارش با آقا سخن می‌گفت. اشتیاق او در این دیدارها و در روایتی که از دیدارها داشت برای من جالب بود.

جهاد، نقش تأثیرگذاری برای ایران در مقاومت منطقه قائل بود. وقتی استناد به فرمایشات آقا داشتند یعنی ایشان را به‌عنوان رهبر پذیرفته بودند و همه فرمایشاتشان را عمل می‌کردند و معتقد بودند اگر حمایت‌های ایران نبود، مقاومت این چنین شکل نمی‌گرفت و نقش ایران را در این زمینه پررنگ و مقدس می‌دانستند. روایت‌های او از همراهی پدرش با شهید چمران و جاوید الاثر حاج احمد متوسلین خود نشان‌دهی از علاقه‌اش به ایران و نقش ایران در مقاومت اسلامی بود.

وقتی خبر شهادت جهاد عماد مغنیه را شنیدم به‌شدت متأثر شدم. هم‌سر من می‌گفت: شما که فقط دو سال دورا دور با ایشان در ارتباط بودی، چطور این همه ناراحت هستی؟ گفتم حرف من این است که تازه حال پدرانمان را وقتی هم‌زمان در بغلشان به شهادت می‌رسیدند می‌فهمم و درک می‌کنم، واقعا دیشب انگار از نزدیک این سختی را درک کردم.

* فرزند شهید عاصمی

را در چهره‌هایشان گذاشته بود که بتوانند فرماندهی را کنترل کنند این‌ها بزرگ‌تر از سنشان بودند و خیلی بیشتر از چیزی را که هم سن و سال‌هایشان می‌فهمیدند درک می‌کردند. جهاد هم دقیقا چنین چهره‌ای داشت، از نزدیک که با چهره‌اش روبه‌رو می‌شدی، چنین برداشتی داشتی که خیلی از سنش بزرگ‌تر بوده است.

نکته‌ای که در خصوص رابطه ما به‌عنوان فرزند شهید با پدرانمان وجود دارد این است که همه ما فرزندان شهدایی که در آن سفر به لبنان رفته بودیم در سن و سالی بودیم که پدرمان را به یاد نداریم؛ وقتی پدرانمان شهید شدند ما بچه بودیم اما جهاد وقتی پدرش عماد شهید شد ۱۷ یا ۱۸ سالش بود و کاملا حضور پدر را درک کرده بود و برای او و امثال او پذیرفتن خلأ پدر سخت‌تر است اما به‌خاطر محکم بودن اعتقاد و اینکه راه خود را راه مقدسی می‌دانست، کاملا این مسئله برایش قابل هضم بود و نبود پدر مسئله و مشکلی برایش پیش نمی‌آورد.

هر چند که ایشان به زبان فارسی تسلط نداشت و من هم عربی بلد نبودم و این‌گونه ارتباط ما سخت می‌شد اما در مجموع باید بگویم آنچه در مدت این دو سال دوستی از روحیه ایشان دیدم استقامت بود با وجود

سن کمش اما خیلی محکم بود. من هم فرزند شهیدم و می‌دانم که تحمل از دست دادن پدر برای این خانواده‌ها سخت است. فرزندان شهدایی که در زمان شهادت در سنین نوجوانی بوده‌اند و درکی از حضور پدر داشته‌اند به‌مراتب از دست دادن پدر برایشان سخت‌تر بوده است نسبت به کسانی که پدر خود را در سنین پایین از دست داده‌اند. ما این تجربه را نداشتیم اما شهید جهاد با وجود تحمل این سختی بسیار محکم بود. او انسان خنده‌رو، بشاش و صمیمی و اما در عین حال محکم بود.

نکته مهم این است که



حضور فرزندان شهدا در کنار جهاد مغنیه بر مزار شهید عماد مغنیه

داشتیم، مهدی همت فرزند شهید همت از جهاد پرسید: می‌خواهی چه کاره شوی؟ او گفت: «می‌خواهم شهید شوم». تفکر را ببینید که کسی مثل او برای شهادت زندگی کند. مهدی همت هم به شوخی گفت: «اگر گذرت به بنیاد شهید افتاده بود دیگر نمی‌خواستی شهید شوی». جهاد خیلی دوست‌داشتنی بود و در عین جوانی، بزرگ‌منشی خاصی داشت، دقیقا مثل شهدای خودمان. الان شما وقتی عکس فرماندهان بزرگ جنگ ما مانند شهید زین‌الدین، شهید باکری، شهید همت و... را کنار هم می‌گذارید، اصلا متوجه نمی‌شوید که چهره‌ها برای سنین بیست و چند سالگی است، همه چهره‌ها به بالای ۳۰ سال می‌خورد. برداشت شخصی من است که ممکن است خدا این جذبه و ابهت

ایرانی و لبنانی بوده است و آن‌ها می‌جنگیدند تا صهیونیسم از بین برود. در آن سفر و در لبنان جهاد با وجود آنکه از خانواده‌ای بود که شناخته شده بود و تحت نظر دشمن بود ما را با ماشین شخصی خود بیرون برد و با هم بر سر مزار پدرش حاج عماد مغنیه و سایر شهدای لبنان رفتیم. او کاملا زندگی روزمره خود را داشت و به‌طور کلی زندگی در آن شهر و کرانه، مبارزه بود. او فردی مردمی و محکم بود. شخصیت محکمی داشت. با وجود آنکه فضای آنجا امنیتی و پراسترس بود او چندان استرسی نداشت و محکم در برابر تردیدها ایستادگی می‌کرد و از روی اعتقاد و ایمان می‌جنگید و در دیداری که با فرزندان شهدا با ایشان

اگر جهاد نیستی لااقل مجاهد باش!

جهاد عاشق ولایت بود

یکی از راه‌های نشان دادن مبالغه در ادبیات عرب این است که به جای اسم فاعل، از مصدر استفاده کنید. مثلاً اگر



سید محمد باقر راد

می‌خواهی بگویی

زید خیلی عادل است، به جای «زید عادل» بگو «زید عدل». مجاهدت هم مصدرش «جهاد» است و «مجاهد» اسم فاعلش. و جهاد عماد فایز مغنیه واقعاً «جهاد» بود، نه مجاهد!

جهاد دو ویژگی بارز داشت: یکی اینکه عاشق ولایت بود و دیگر اینکه عاشق شهادت بود. همین دو ویژگی باعث شده بود به جای مجاهد بودن، جهاد باشد. اصلاً مگر می‌توانی عاشق ولایت باشی و برای تحقق خواسته‌های ولی فقیه جهاد نکنی؟! و مگر می‌شود عاشق شهادت باشی و راه شهادت را که جهاد فی سبیل الله است نشناسی؟! آخرین دیدارمان، همین سه هفته پیش بود. موقع خداحافظی بغلش کردم. نور خورشید از شیشه‌های بلند ساختمان وارد شده بود و درست روی صورتش افتاده بود و چهره زیبا و نورانی‌اش را نورانی‌تر کرده بود. می‌خواستم بهش بگویم: «جهاد، چقدر نوربالا می‌زنی پسرا چقدر بوی شهادت می‌دی». اما بغض گلویم را گرفته بود. فقط گفتم: «تو رو خدا مراقب خودت باش». خنده‌ای کرد و دندان‌های سفید و خوشگلش چنان در نور خورشید درخشید که هنوز در خاطرم هست. گفت که ان شاء الله زود همدیگر را می‌بینیم و رفت فقط غبطه و آه حسرت برای من باقی ماند.

جهاد عماد مغنیه، فرزند رشید حاج رضوان، فرمانده جوان و دلاور حزب‌الله لبنان، شریک شهادت نوشید و به پدر شهیدش پیوست. «هنیئاً له!» اما هیئات که ما راه شهدا را خالی گذاریم و دست از آرمان‌هایشان برداریم. اگر او «جهاد» بود، ما دست کم باید «مجاهد» باشیم، ان شاء الله.

اقدام اخیر رژیم صهیونیستی در حمله به منطقه جولان و به شهادت رساندن جهاد مغنیه، فرزند شهید عماد مغنیه خشم جهان اسلام و حامیان حزب‌الله و گروه‌های مقاومت را علیه تل آویو برانگیخته است. مقاومت اسلامی لبنان اعلام کرده است که انتقام این حادثه را از رژیم اشغال‌گر قدس خواهد گرفت. هم‌اکنون ترس و وحشت مزمینی در میان مقامات رژیم صهیونیستی و متعاقباً حامیان غربی آن ایجاد شده است. هم‌پیمانی گروه تکفیری النصره با مقامات تل آویو در عملیات اخیر، نکته دیگری است که لازم است تمرکز ویژه‌ای روی آن صورت گیرد. در خصوص این موارد گفت‌وگویی با سیدحسین نقوی حسینی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی انجام داده‌ایم که از نظر تان می‌گذرد.



تبعات حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به حزب‌الله
در گفت‌وگو با سید حسین نقوی حسینی

صهیونیست‌ها دیگر روزهای آرام نخواهند داشت

اقدام اخیر رژیم صهیونیستی در حمله به منطقه جولان و به شهادت رساندن جهاد مغنیه، فرزند شهید عماد مغنیه خشم جهان اسلام و حامیان حزب‌الله و گروه‌های مقاومت را علیه تل آویو برانگیخته است. مقاومت اسلامی لبنان اعلام کرده است که انتقام این حادثه را از رژیم اشغال‌گر قدس خواهد گرفت. هم‌اکنون ترس و وحشت مزمینی در میان مقامات رژیم صهیونیستی و متعاقباً

حامیان غربی آن ایجاد شده است. هم‌پیمانی گروه تکفیری النصره با مقامات تل آویو در عملیات اخیر، نکته دیگری است که لازم است تمرکز ویژه‌ای روی آن صورت گیرد. در خصوص این موارد گفت‌وگویی با سیدحسین نقوی حسینی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی انجام داده‌ایم که از نظر تان می‌گذرد.

○ اقدام رژیم صهیونیستی در به شهادت رساندن جهاد مغنیه و چند تن دیگر از رزمندگان غیور مقاومت اسلامی لبنان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ و این مسئله چه تبعاتی می‌تواند در پی داشته باشد؟

واقعیت امر این است که رژیم صهیونیستی طی سال‌های اخیر به کرات طمع تلخ شکست از رزمندگان مقاومت اسلامی را چشیده است. در جریان نبرد تابستان سال ۲۰۰۶ میلادی، رزمندگان حزب‌الله جنگ ۳۳ روزه را به آوردگاه شکست تل آویو تبدیل کردند. پس از آن نیز شاهد بودیم که رزمندگان حماس در سه نبرد پیاپی در مقابل صهیونیست‌ها مقاومت کردند و ضربات بسیار سنگینی را به این رژیم اشغال‌گر وارد ساختند. از این رو مقامات تل آویو طی چهار نبرد پیاپی در مقابل مقاومت شکست خورده‌اند. استیصال تل آویو در مقابل جبهه مقاومت سبب شده است تا آن‌ها که به‌خوبی نسبت به ناتوانی خود در صحنه نبرد آگاه هستند، سعی کنند از طریق انجام عملیات‌های موردی و تروریستی و ناجوانمردانه، شکست و ناتوانی خود در مقابل حزب‌الله و جریان مقاومت را جبران کنند؛ لذا صهیونیست‌ها دست به اقداماتی کثیف مانند حمله اخیر به جولان می‌زنند؛ حمله‌ای که در آن جهاد مغنیه، فرزند اسطوره مقاومت، شهید عماد مغنیه به شهادت رسید. تل آویو هم‌اکنون دوران زوال و نابودی خود را طی می‌کند. صهیونیست‌ها جهت جلوگیری از این زوال و نابودی دست به هرگونه اقدامی می‌زنند.

○ رزمندگان و مقامات حزب‌الله لبنان اعلام کرده‌اند که پاسخ اقدام اخیر صهیونیست‌ها را به

دره‌بین

○ استیصال تل آویو در مقابل جبهه مقاومت سبب شده است تا آن‌ها که به‌خوبی نسبت به ناتوانی خود در صحنه نبرد آگاه هستند، سعی کنند از طریق انجام عملیات‌های موردی و تروریستی و ناچوانمر دانه، شکست و ناتوانی خود در مقابل حزب‌الله و جریان مقاومت را جبران کنند.

○ حزب‌الله به وعده خود در خصوص انتقام‌گیری از رژیم صهیونیستی در قبال اقدام اخیر در جولان پایبند خواهد بود. نه تنها حزب‌الله، بلکه جریان‌های مقاومت در منطقه، دیگر لحظه‌ای صهیونیست‌ها را آرام نخواهند گذاشت.

○ آگاهی رژیم صهیونیستی نسبت به قدرت حزب‌الله و جبهه مقاومت سبب شده است تا مقامات تل آویو نسبت به پاسخ مقاومت به شدت احساس ترس و وحشت داشته باشند.

○ پاسخ آتشین حزب‌الله به صهیونیست‌ها، دامان گروه‌های تکفیری و مخصوصاً جبهه النصره را نیز خواهد گرفت. از سوی دیگر، حادثه اخیر، سندی عینی دال بر وابستگی گروه‌های تکفیری به رژیم اشغال‌گر قدس محسوب می‌شود.

در جولان وحشت دارند. هر گونه مانور تبلیغاتی روی این حادثه سبب خواهد شد تا واکنش حزب‌الله و مقاومت اسلامی در قبال این حادثه دامنه و ابعاد وسیع‌تری پیدا کند، خصوصاً آنکه حزب‌الله قدرت اعمال این واکنش در مقیاسی وسیع و گسترده را داراست.

در چنین وضعیتی، مقامات واشینگتن و تل آویو نسبت به بروز و افزایش خشم ملت‌های مسلمان و حامیان گسترده حزب‌الله در منطقه نیز به شدت نگران هستند. رمز اصلی خودسانسوری رسمی مقامات آمریکایی و صهیونیستی در همین نکته، یعنی ترس آن‌ها نسبت به واکنش گسترده جبهه مقاومت ریشه دارد.

بعد دوم ماجرا، به مدیریت رسانه‌ای و تبلیغاتی مسئله نزد افکار عمومی مربوط است. بر این اساس مقامات رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا سعی دارند ضمن عدم اظهار نظر در خصوص این حمله و قیحه، از اهمیت موضوع این افکار عمومی را نسبت به آن منحرف کنند. این در حالی است که جبهه مقاومت، هرگز از کنار این موضوع عبور نخواهد کرد و پاسخ سختی به تل آویو و حامیان و مهره‌های آن در قبال حادثه اخیر خواهد داد.

دوم، سوم، چهارم و... تقسیم‌بندی کرده‌اند. همان گونه که اشاره کردید، زمانی که در نوار غزه شاهد کشتار روزمره زنان و کودکان توسط بالگردها و جنگنده‌های رژیم صهیونیستی بودیم، سازمان ملل عملاً اقدامی در محکومیت این موارد صورت نداد و صرفاً شاهد شهادت مظلومانه ساکنان غزه بود. سکوت اخیر مقامات سازمان ملل متحد نیز ادامه همین رویکرد است؛ رویکردی که ملت‌های مسلمان و سایر ملت‌های آگاه دنیا به هیچ عنوان آن را نمی‌پذیرند. در حال حاضر، اقدام رژیم صهیونیستی در جولان مصداق عینی تجاوز به خاک کشوری دیگر محسوب می‌شود. باین حال سازمان ملل متحد از کنار این تجاوز به آسانی عبور می‌کند.

سیاست یک بام و دو هوای سازمان ملل متحد و نهادهای بین‌المللی در قبال مردم کشورهای مختلف دنیا واقعیتی تلخ محسوب می‌شود. این سیاست دوگانه، خود را در قبال حادثه اخیر در جولان نیز نشان داده است. چهره مقامات سازمان‌های بین‌المللی که همواره در ظاهر ادعای احترام به حقوق بشر و حقوق انسان‌ها را داشته و در عمل، حامی جریان‌های خاص و وابسته به خود در نظام بین‌الملل هستند، دیگر به همگان مکشوف شده است. بنابراین دیگر دعاوی این مقامات در خصوص ارزش‌ها و اصول مشترک انسانی و سایر سخنان ریاکارانه مورد پذیرش افکار عمومی دنیا قرار نخواهد گرفت.

○ طی روزهای اخیر شاهد هستیم که مقامات رسمی دولت نتانیاهو و نظامیان رژیم صهیونیستی، سعی کرده‌اند تاکتیک سکوت در مقابل حادثه جولان را در پیش گیرند. این سکوت تل آویو و واشینگتن در خصوص حمله اخیر به جولان و شهادت فرزند شهید عماد مغنیه را چگونه تحلیل می‌کنید؟

سکوت ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در این خصوص از دو بعد کلی قابلیت تحلیل و ارزیابی دارد. نخست اینکه مقامات تل آویو و متعاقباً مقامات آمریکایی نسبت به هر گونه مانور تبلیغاتی بر اقدام اخیر

را در راستای فریب افکار عمومی و جذب عضو مطرح می‌کردند. اما پس از مدتی کوتاه، پوشالی و دروغین بودن این ادعا از سوی گروه‌های تکفیری مانند النصره و داعش به اثبات رسید. امروز دست گروه تروریستی النصره و گروه داعش برای جهان اسلام رو شده است. حمله اخیر صهیونیست‌ها به منطقه جولان نشان داد که گروه النصره به پیاده‌نظام رسمی رژیم صهیونیستی در منطقه تبدیل شده است. دستگاه‌های امنیتی غرب، رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی نیز از این گروه تروریستی و دیگر گروه‌های تکفیری مانند داعش حمایت می‌کنند. این گروه‌های تکفیری همواره در راستای تامین اهداف رژیم اشغال‌گر قدس وارد میدان می‌شوند. بدون شک پاسخ آتشین حزب‌الله به صهیونیست‌ها، دامان گروه‌های تکفیری و مخصوصاً جبهه النصره را نیز خواهد گرفت. از سوی دیگر، حادثه اخیر، سندی عینی دال بر وابستگی گروه‌های تکفیری به رژیم اشغال‌گر قدس محسوب می‌شود. این حادثه باید از سوی افکار عمومی جهان اسلام و مسلمانان به‌صورتی جدی مورد واکاوی قرار گیرد تا ارتباط میان تل آویو و گروه‌های تکفیری بیش از پیش برای آن‌ها به اثبات برسد.

○ بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد و اعضای شورای امنیت این سازمان ظاهراً بین‌المللی، در جریان حملات اخیر به شارلی ابدو و کشته شدن ۱۲ کاریکاتوربست هتاک و کارکنان این نشریه، به احترام آن‌ها یک دقیقه سکوت کرده و پس از آن نیز به‌صورتی مکرر و گسترده حملات تروریستی در فرانسه را محکوم کردند. اما در قبال حمله اخیر صهیونیست‌ها به جولان واکنشی نداشتند. این برخورد و رویکرد دوگانه را چگونه تحلیل می‌کنید؟

متأسفانه امروزه نهادهای بین‌المللی که قاعدتاً باید وظیفه حفاظت از صلح جهانی را به‌عهده داشته باشند، به سازمان‌های تامین منافع بازیگران و قدرت‌های سلطه‌گر تبدیل شده‌اند. این حقیقتی است که نمی‌توان آن را کتمان کرد. این نهادهای بین‌المللی عملاً در صدد تامین منافع صهیونیست‌ها برآمده‌اند. سازمان ملل متحد، کشورها و شهروندان آن‌ها را به شهروندان در جه اول،

سخت‌ترین نحو ممکن خواهند داد. در مقابل شاهد هستیم که رسانه‌های رژیم صهیونیستی و کارشناسان نظامی و امنیتی این رژیم نسبت به پاسخ حزب‌الله در قبال اقدام اخیر تل آویو احساس ترس و وحشت کرده‌اند. این ترس مزمنی را که در میان مقامات و ساکنان اراضی اشغالی نهاده شده است، چگونه تحلیل می‌کنید؟

حزب‌الله به وعده خود در خصوص انتقام‌گیری از رژیم صهیونیستی در قبال اقدام اخیر در جولان پایبند خواهد بود. نه تنها حزب‌الله، بلکه جریان‌های مقاومت در منطقه، دیگر لحظه‌ای صهیونیست‌ها را آرام نخواهند گذاشت. جبهه مقاومت انتقام خون شهید جهاد مغنیه و پدر بزرگوارش عماد مغنیه را به گونه‌ای از صهیونیست‌ها خواهد گرفت که دیگر اسرائیلی وجود نداشته باشد که بخواهد از پاسخ مقاومت شوک‌زده شود. از سوی دیگر، حزب‌الله طی سال‌های اخیر به شدت خود را به لحاظ نظامی و دفاعی تجهیز کرده است. مقاومت اسلامی لبنان می‌تواند عمق استراتژیک تل آویو را هدف قرار دهد و هر گونه جنایت صهیونیست‌ها را به‌صورتی جدی و وسیع پاسخ دهد. این توان بالای نظامی و دفاعی، با ایمان راسخ فرزندان مقاومت همراه است. این ترکیب، قدرتی ایجاد کرده است که صهیونیست‌ها قدرت مهار آن را نداشته و هرگز نخواهند داشت. آگاهی رژیم صهیونیستی نسبت به قدرت حزب‌الله و جبهه مقاومت سبب شده است تا مقامات تل آویو نسبت به پاسخ مقاومت به شدت احساس ترس و وحشت داشته باشند. نظم عمومی عملاً در داخل سرزمین‌های اشغالی بر هم ریخته است و مقامات دولت ضعیف نتانیاهو نیز قدرت کنترل اوضاع را از دست داده‌اند.

○ برخی منابع مطلع امنیتی در منطقه اعلام کرده‌اند که گروه تکفیری النصره در عملیات رژیم صهیونیستی در جولان دست داشته است. بر این اساس، گرای امنیتی محل عملیات از سوی عوامل گروه تکفیری النصره به صهیونیست‌ها داده شده است. ارتباط میان گروه‌های تکفیری و نهادهای امنیتی رژیم صهیونیستی و مخصوصاً موساد را چگونه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهید؟ این ارتباط در چه سطحی وجود دارد؟

گروه‌های تکفیری در ابتدای حضور خود در منطقه، ادعا می‌کردند که به‌صورتی مستقل عمل می‌کنند و ارتباطی با نهادهای امنیتی رژیم صهیونیستی، آمریکا و عربستان سعودی ندارند. آن‌ها این ادعا



شهادت کرامت آن‌هاست

آشنایی با خانواده شهیدان مغنیه

خانواده مغنیه از وقتی مشهور و شناخته شدند که حاج عماد مغنیه ۲۳ بهمن سال ۱۳۸۶ در سوریه ترور و شهید شد. بعد از آن خانواده و خاندان مغنیه مطرح و شناخته شدند. اما عملاً ایشان سومین فرزند شهید حاج فائز مغنیه هستند. قبل از عماد هم دو برادر دیگر به نام فواد و جهاد شهید شدند. هر دو برادر به تعبیری شاکرد و دنباله‌رو حاج عماد بودند که برادر

بزرگ ترشان بود.

محل سکونت

منطقه طبردیا، روستایی در جنوب، محل سکونت این خانواده است و ابوعماد کار کارگری ساده انجام می‌داده است. مادرشان بسیار بصیر، روشن و خوش صحبت است و تربیت بچه‌ها بیشتر به واسطه وی بوده است. پدر مغازه‌ای داشته و پی‌امرار معاش بوده و مادر روی شخصیت این سه برادر بسیار اثر گذار بوده است. در دیداری که حدود دو سال پیش خدمت مقام معظم رهبری رسیدند، این مادر تاکید کرد که «ای کاش من باز پسران دیگری داشتم که در راه انقلاب و اسلام و تبعیت از شما قدمی کردم و حیف که پسر دیگری ندارم». اما اکنون با شهادت جهاد نشان داد که نسل بعدی آن‌ها به میدان می‌آید. خانه حاج عماد و خانه پدر و مادر او در جریان جنگ ۲۳ روزه تخریب می‌شود و آن‌ها در ابارتمان‌هایی که بازسازی شده ساکن شدند.

خواهر شهید عماد

زینب، خواهر حاج عماد، در واقع یک چهره هنری و رسانه‌ای است؛ در شبکه تلویزیونی طاه‌ها که متعلق به حزب الله است فعالیت می‌کند و بازیگر و کارگردان سینما و تئاتر است. خانواده حاج عماد چند بعدی هستند. اینکه می‌بینیم وارد حوزه جهاد و نظامی می‌شود ضرورتی است که شرایط کشورشان و حملات دشمن اسرائیلی موجب شده به این حوزه ورود کنند. می‌توانستند با توانمندی و بهره‌هوشی در حوزه‌های دیگر بدرخشند اما علی‌رغم ورود به حوزه‌های نظامی باز علایق رسانه‌ای و فرهنگی و هنری‌اش را ترک نکرده است.

شایعات

شایعاتی مبنی بر اینکه او خواهرزاده حاج قاسم سلیمانی است و در ایران بزرگ شده نیز مطرح است که هیچ کدام درست نیست. مادر جهاد از یک خانواده معروف لبنانی به نام خاندان بدرالدین است و دایی آن‌ها نیز خاز چشم اسرائیلی‌هاست و یکی از مقامات ارشد حزب الله است و کارها و جایگاه او مانند حاج عماد گمنام بوده اما اسرائیل همواره دنبال او بوده است. اما به واسطه تعامل کاری‌ای که پدرشان داشته به شدت ارتباط نزدیکی با حاج قاسم داشتند و بعد از آن این ارتباط پررنگ برقرار بوده است و اگر سفری به ایران می‌آمدند حتماً منزل حاج قاسم می‌رفتند و مهمان شخصی وی بودند. حاج قاسم نیز به شهید عماد علاقه و ارادت ویژه‌ای داشته و بعد خانواده را بطنه را حفظ کرده‌اند.

خاندان مغنیه جزو خانواده‌های معروف در لبنان هستند از قدیم‌الایام جزو جند خانواده مطرح منطقه جبل عامل لبنان بودند. یک باور غلط در بخشی از رسانه‌های ایران وجود دارد که این سه شهید را فرزندان آیت الله جواد مغنیه می‌دانند که در واقع از علمای ۵۰ ساله لبنان و از چهره‌های شناخته شده جهان اسلام است که کتاب‌های مختلف دارند. تصور این است که این شهید پسران آن آیت الله هستند در حالی که سن و عمرشان قد نمی‌دهد که چنین فرزندی داشته باشند و در واقع پدر این سه شهید حاج فائز مغنیه بوده نه آیت الله جواد مغنیه معروف.

برادران شهید

هر سه برادر عضو حزب الله بودند و هر کدام در بخشی از تشکیلات حزب الله فعالیت می‌کردند و درگیر

بودند اما فرماندهی عملیات حزب الله یا آنچه خودشان بخش جهادی حزب الله می‌نامند بر عهده حاج عماد بوده است و فواد هم که یکی از این برادران شهید است، سال ۱۳۷۳ در ماه رجب شهید می‌شود. او فعالیت تجاری داشته و در این قالب به حزب الله کمک می‌کرده و کار تجاری وی پوششی بر فعالیت‌هایی بوده که در حزب الله داشته است.

خانواده شهید عماد

عماد سه فرزند داشت که جهاد کوچک‌ترین آن‌هاست، هم‌چنین دختری به نام فاطمه و پسری به نام مصطفی داشت که هر دو فرزند دیگری از دواج کرده بودند و جهاد در سال ۱۳۶۸ شمسی متولد شده بود. جهاد

به واسطه اینکه بعد از شهادت پدرش حضور رسانه‌ای پیدا کرد، شناخته شده‌ترین فرزند بود و در مراسم تشییع حاج عماد در بیروت به نمایندگی از خانواده صحبت کرد. قدرت تکلم و توانایی بالای او در صحبت کردن یکی از دلایل انتخاب او برای این سخنرانی بود.

خاص بودن حاج عماد

پدر حاج عماد بیان می‌کرد با وجود اینکه دو فرزند دیگرش هم شهید شده‌اند اما شهادت حاج عماد برایش حادثه متفاوت‌تری بوده و بعد از آن عهد می‌کند لباس مشکی‌اش را از تن درنیاورد. روحیات و خلقیات او بعد از شهادت حاج عماد تغییر کرده است. او گوشه‌گیر شده و هنوز در بهت است. این به واسطه ارتباط نزدیک و اثر گذاری است که شخصیت عجیب و دوست‌داشتنی حاج عماد با آن‌ها داشته است.

نامگذاری در خانواده مغنیه

مصطفی (پسر عماد)، پسری دارد که چند هفته‌ای بعد از شهادت حاج عماد به دنیا آمد که اسم او را هم عماد گذاشتند. سنت جالبی که در خانواده مغنیه هست این است که همه دوباره اسم‌های عموها یا پدران شهید را روی فرزندان تازه متولد شده گذاشته‌اند. یعنی جهاد مغنیه که شهید شد اسم عمویش روی او بود. همین مسئله نشان می‌دهد خانواده به همین راه و مسیری که می‌روند اعتقاد دارد و پایبند است.

ماجرای شهادت فواد

یک لبنانی عامل اسرائیلی‌ها برای نزدیک شدن به شهید عماد با فواد ارتباط می‌گیرد و قرار کاری با فواد می‌گذارد و روزی را مشخص می‌کند برای قرار ملاقات و عنوان می‌کنند که برادرت را هم با خودت بیاور تا با او هم آشنا شویم اما حاج عماد سر قرار حاضر نمی‌شود و آن‌ها در منطقه‌ای که قرار ملاقات داشتند خودروبی را بمب گذاری می‌کنند و انفجار آن خودرو باعث شهادت فواد می‌شود.

خواسته‌ای که اجابت شد

ماجرای چفیه‌هایی که فرزند «عماد» بر دوش علاقه‌مندان «جهاد» انداخت



جوانان مسلمانی که توفیق دریافت چفیه منبر ک‌ولی امر مسلمین جهان را داشتند.

از دوستان همفکری کردیم که چطور و توسط چه کسی آن‌ها را اهدا کنیم که همه اقتضائات رعایت شده باشد. عزیزی پیشنهاد داد که چفیه خانم‌ها را فاطمه مغنیه بدهد و چفیه آقایان را برادرش جهاد، چرا که فرزند شهیدی هستند که برای بسیاری از جوانان کشورهای اسلامی شناخته شده است (اگر نگوییم که به حاج عماد و خدماتش مدیونند). همه موافق بودیم. قرار شد پس از ناهار چند نفر از جوانان مشتاق را که از قضا عمدتاً از عزیزان اهل سنت بودند در گوشه‌ای از لابی هتل گرد هم بیاوریم و از جهاد عزیز و خواهرش هم دعوت کنیم تا در خلق این لحظات زیبا و به یادماندنی به ما کمک دهند. آن‌ها هم با کمال میل و البته مشتاقانه پذیرفتند و قبل از موعد در محل قرار حاضر شدند.

اشتیاق جوانان سفید و سیاه، عرب، ترک و آفریقایی تبار در لحظه دریافت چفیه ولی امر مسلمین جهان وصف‌ناکردنی است. اشک شوقی که از دیدگانشان جاری می‌شد و نگاه حسرت‌آمیز عده‌ای که قرعه به نامشان نیفتاده بود، در توان کلمات نمی‌گنجید.

جوانانی که آن روز نماد ایستادگی و مقاومت را با دست پسر عماد مقاومت بر دوش خود انداختند، نمی‌دانستند که دقیقاً سه سال بعد جهاد هم پا در مسیر پدر می‌گذارد. اما حتماً امروز شانه‌هایشان برای مبارزه در راه جبهه مقاومت اسلامی سنگینی بیشتری را احساس می‌کند.

بهمین ماه سال ۹۰ تهران میزبان اجلاسی متفاوت بود؛ حضور بیش از ۱۵۰۰ جوان دختر و پسر از ۷۰ کشور جهان با مذاهب مختلف اسلامی، آن هم در اوج تب بیداری اسلامی، قطعاً حواشی زیبا و متنوعی دارد اما بی‌شک اوج آن، دیدار جوانان با رهبر معظم انقلاب در حسینیه امام خمینی (ره) در صبح روز دوم همایش بود. برای جلوه‌های بی‌نظیری که اون روز آفریده شد می‌توان صدها مطلب نوشت که جایش اینجا نیست. اما کم نبودند شرکت‌کنندگانی که مانند هم‌سن و سالان ایرانی‌شان چشم به چفیه آقا داشتند؛ آرزویی که با توجه به حجم درخواست‌ها و فضای جلسه امکان تحقق آن نبود.

از بخت خوب آن‌ها و لطف دوستان روابط عمومی بیت قرار شد این آرزو به‌شکلی برآورده شود. به همین منظور تعدادی از چفیه‌هایی که سابقاً بر دوش رهبر فرزانه انقلاب قرار گرفته بود در اختیار مسئولین اجرایی اجلاس قرار گرفت تا به‌نحو مقتضی به علاقه‌مندانی که بسیار پیگیر بودند اهدا شود. (بعضی از این جوانان از یکی دو روز قبل از دیدار و آن هنگام که فهمیدند ملاقات رهبر هم در برنامه‌هایشان هست، برای به دست آوردن چفیه آقا نقشه کشیده بودند و مدام پیگیر آن بودند).

چفیه‌ها که رسیدند، سریعاً با تعدادی

اییزود سوم

سال ۹۱. اجلاس جوانان و بیداری اسلامی. جوانان زیادی بودند، یکی از یکی بهتر. ولی یک خواهر و برادر توجه همه را جلب کرده بودند. دل در دل نداشت برای دیدار آقا. کمی کلافه شده بود از دست جوانانی که عاشقانه به سمت آقا می آمدند، روبوسی می کردند و عکس می گرفتند. صبح دیدار در صف اول بود و عاشقانه نگاه می کرد و پس از سخنرانی هم نزدیک ایشان رفت و گپی زدند پدر و پسر گونه.

اییزود چهارم

سال ۹۳. رسانه ها خبر دادند که مادر سردار رشید اسلام، حاج قاسم سلیمانی، به رحمت خدا رفته اند. در مراسم ختم که شرکت کردیم جوانی نورانی با تهریش در کنار حاج قاسم بود. کنار در باهم به میهمانان خوشامد می گفتند. و این آخرین بار بود که او را دیدم.

اییزود پنجم

همیشه بحران ها و جنگ ها تلخ و سنگین بوده اند و ضررهای انسانی و مالی زیادی داشته اند. ولی در کنار همه این خسارت ها خوبی هایی هم بوده است. مشتی ها و پایه کارها رو می آیند، سره از ناسره مشخص می شود. حرف عمل که می شود مرد عمل شناخته می شود. توضیح نمی خواهد. ۵۹ تا ۶۸ را همه خود می دانند. می آیم سال ۹۰ خودمان و می رسم به لتهایات منطقه و اتفاقات بیداری اسلامی که بر خیلی ها سنگین بود و نتوانستند تحمل کنند. بهار عربی در سوریه نیز کلید خورد و چند راهپیمایی ساده را تبدیل کردند به حمام خون و قتل و عام مردم بی گناه. همه سرازیر شدند و عقده ها خالی کردند که نیاز به توضیح بیشتر نیست. و آن موقع بود که دوباره مردان روی آمدند و الک ها آویخته شد. آنان که دل در گرو اهل بیت (علیهم السلام) و عمه سادات (سلام الله علیها) داشتند و محور مقاومت را شاه رگ می دانستند، وارد عمل شدند. سوریه، عراق، لبنان و ایران. جوانان ابالفصلی وارد عمل شدند، ماه ها جنگیدند، رنج کشیدند و خولی ها، حمله ها و هند جگر خوارها را به خاک و خون کشیدند. از سوریه که ناامید شدند وارد عراق شدند.

اییزود ششم

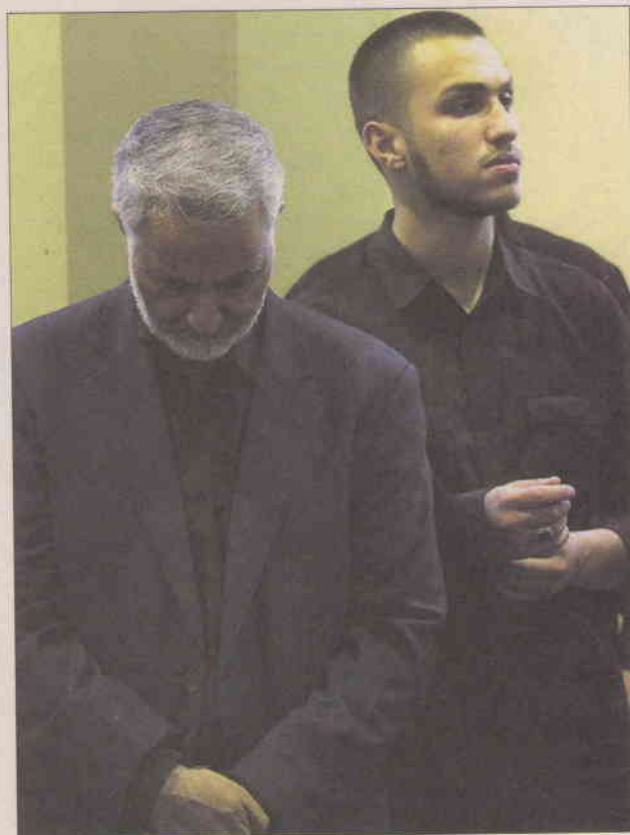
یک تیم اطلاعات و عملیات برای شناسایی منطقه در بلندای جولان به سر می بردند. آنجا که تروریست های مسلمان نمای مسلمان کش رد و بدل تجهیزات دارند با رژیم کودک کش اسرائیل.

گری قافله را گرفته اند، بلند می شوند تا بگردند بهترین بندگان خدا بر روی زمین را به آرزوی همیشگی شان برسانند. مقصود ابوعلی الطباطبایی است. کسی که خود اسرائیلی ها او را فرمانده جنگ آینده حزب الله با اسرائیل می دانند. البته بودند کسان دیگری که سالم ماندند به لطف خدا، اما شش تن از افراد قافله پر می کشند و دست بر قضا زنده می ماند ابوعلی الطباطبایی، تا خاری باشد در گلو و چشم عدا.

نقش اول روایت ما در بین شهدا بود و خود را رساند به پدر که خیلی دلتنگ بود. آقا زاده قصه ما می توانست در بهترین شرایط در امن ترین پایتخت جهان یعنی تهران، در بهترین دانشگاه درس بخواند و زندگی کند و همه به او احترام بگذارند و چیزی از اجر و قریش هم کم نمی شد. ولی او فرزند مقاومت بود و راحتی برایش معنایی نداشت. از نوجوانی رزم آموخت در میان شیر مردان حزب الله. آنان که زیر دست پدرش رشد کرده بودند، حالا استاد پسر بودند. مشق رزم را آموخت و وارد میدان مبارزه با اشقی الاشقیاء شد و ره صد ساله را یک شبه در اوج جوانی پیمود. هیتالک شهاده!

اییزود آخر

«نحن صامدون، قرارنا المقاومة، وعده الصادق و این آخر جهزوا ملائکم». این ها کلیدواژه های دو کلمه ای مقاومت هستند. جوانان مقاومت بزرگ می شوند زیر دست جوانان خمینی کبیر (ره). و چشم دوخته اند به لب های رهبر. اییزود آخر را ما رقم می زنیم و دور نیست بر چنین سفره منحوس صهیون های کودک کش را. و اینانند که رسم می کنند نقشه نوین جهان را آن هم نه با سلاح - که بهترش را دشمن دارد - بلکه با ایمان که دشمن در کی از آن ندارد و فراهم می کند زمان را برای ظهور منجی. □



شهید جهاد مغنیه در کنار سردار قاسم سلیمانی، در مراسم در گذشت مادر سردار سلیمانی

مردی بود برای خودش

هفت اییزود با جهاد

اییزود اول

سال ۸۶ بود که اولین بار او را دیدم. نوجوانی رشید و نورانی. در حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) با هم همراه شدیم. فارسی را کم می فهمید و عربی را کم می فهمیدم. ولی نگاه های با معنایش تمام حرف را می زد. ندیده بودم کسی با زیارت نامه حضرت معصومه (سلام الله علیها) گریه کند ولی او گریه کرد و من از گریه او بغض کردم که ما چه داریم در کنار خود و قدرش را نمی دانیم. زیارت که تمام شد گوشه ای نشستیم و از حال و هوا که خارج شد گفتم من تا به حال در حرم بی بی گریه نکرده بودم ولی الان از گریه تو... خندید و گفت: «چه حسی نسبت به حضرت زینب (سلام الله علیها) داری؟» گویی با مشق کوبید به سرم. اشک در چشمانم جمع شد و نه او چیزی گفت و نه من. دو سه روزی با هم بودیم. از آن نوجوان ۱۸ ساله چیزهای زیادی یاد گرفتیم. استوار بود و خودش ساخته، مردی بود برای خودش.

اییزود دوم

سال ۸۸ دوباره دیدمش. پشت لب هایش سبز شده بود، قدی کشیده بود برای خودش. این بار او میزبان ما بود. خیلی معروف نبود. خیال می کردیم همه اهل محل و خیابان او را بشناسند و... ولی نمی دانم چه حسی بود که یواش می رفت و یواش می آمد. خانه های ساده با دیواری با چند عکس از امام، آقا، سید حسن و پایش عکس کوچکی از پدر. البته روی تاقچه خانه عکس عموها هم بود و چند عکس دیگر که نمی شناختم. دو بار میهمان خانه شان بودم. تعریف کرد از کار، از درس، از زندگی. کسی نمی دانست، فکر می کردم یک مرد ۴۰ ساله دارد حرف می زند.

آوینی واره‌ها

تلاش‌های مستندسازان بدون مرز مقاومت اسلامی
میزگردی با حضور سیدهاشم موسوی و وحید فراهانی



دوره بین | فراهانی

من چیزی از جنگ را از نزدیک ندیده‌ام اما وقتی به عراق رفتم با توجه به آنچه در فیلم‌ها دیده بودم یا شنیده بودم تفاوتی احساس نکردم و دیدم که برای ما می‌جنگند و ابایی ندارند که بگویند ایران قوی است.

در کار اول می‌خواستیم بیشتر فضای عراق را نشان دهیم. اولین گردان‌هایی که به سوریه رفتند عراقی‌ها بودند. در کار دوم فضا را به این سمت بردیم که صدور انقلاب اسلامی را پررنگ تر نشان دهیم.

در فضای بحران نمی‌شود سناریوی خاصی نوشت. تنها می‌توان یک پی‌رنگی از کار در ذهن داشت. اتفاقات در لحظه رخ می‌دهند.

قبلا تنها حزب‌الله لبنان بازوی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف بود اما اکنون عراق تبدیل به ده‌ها گروه حزب‌الله لبنان شده است.

در فضای لبنان و خانواده‌هایی که طرفدار انقلاب اسلامی هستند، آدم احساس نمی‌کند در غربت زندگی می‌کند. زبان برقراری ارتباط نداشتیم اما فرهنگ‌ها آن قدر شبیه هم بود که مشکلی پیدانمی‌کردیم.

و نکته سوم بعلبک که شرق لبنان است و می‌شود جنوب غربی سوریه که مشرف به سوریه است و استان تکفیری هاست، القصر و القلمون که دو شهر نزدیک شیعه‌نشین سوریه است. القنطره سمت جولان است. بیشتر رزمندگانی که سوریه را پوشش می‌دهند از بعلبک هستند. حزب‌الله نیروهای جنوب را نمی‌فرستد که در سوریه بجنگند زیرا برای مبارزه با اسرائیل آموزش دیده‌اند.

آقای فراهانی شما چه تجربه متفاوتی در مستندی که تهیه کردید داشتید؟

فراهانی: یکی از روزنامه‌ها چاپ کرده بود که جنگ در سوریه برای حزب‌الله به مراتب بهتر است زیرا نیروهای مردمی و بسیجی را در عملیات جدی و واقعی می‌فرستد که مانور نیست. این افراد آدم‌هایی می‌شوند که برای جنگ با اسرائیل، آموزش دیده و ورزیده می‌شوند. حزب‌الله نیروهای مردمی و بسیجی‌اش را به سوریه می‌فرستد که ورزیده شوند و توان نظامی‌اش بیشتر از جنگ سال ۲۰۰۶ است. قبلا تنها صور بود که با اسرائیل می‌جنگید و بعلبک تنها حالت پشتیبانی داشت و جنگ رسمی به خود ندیده بود اما اکنون نیروهای بعلبک هم ورزیده شده‌اند. اگر فردا روزی جنگ شود

بود که با پدر شهیدی آشنا شدیم و به او گفتم که من خیلی دوست دارم شهدای مدافع حرم عراق را هم کار کنم. همین پدر شهید شخصی را به ما معرفی کرد در عراق که مدیر روابط عمومی کتائب (گردان) سیدالشهداست. این گروه یک گروه امنیتی نظامی بود که به آن‌ها گفتیم ما می‌خواهیم این مستند را درباره شما بسازیم. زمانی که ما به بغداد رفتیم این گردان منطقه کمر بندی امنیتی بغداد در ۹ کیلومتری بغداد را پوشش می‌دادند که صعب‌العبور بود. از این منطقه تا حرم کاظمین حدود ۱۴ کیلومتر راه بود و آمریکایی‌ها هم نمی‌توانستند نفوذ پیدا کنند و ما آنجا فیلمبرداری کردیم. در اولین مستند به تاسیس این گروه پرداختیم که اولین گروهی بودند که وارد سوریه شدند. در زدن مقرهای گروه آمریکایی در عراق، گروه فعالی بودند. بعد از دیدن کارهایمان به ما اعتماد کردند و خود آن‌ها را ما استقبال کردند. می‌خواستیم کاری برای انقلاب انجام دهیم. از آنجایی که دوستان عراقی در زمینه رسانه ضعیف هستند استقبال کردند که ما از دیگر مناطق هم بازدید کنیم و پوشش دهیم.

بیشتر شهدای مدافع حرم در سوریه از کدام مناطق هستند؟

موسوی: بیشترین شهدایی که در سوریه شهید می‌شدند از شهر بعلبک لبنان هستند و این به علت نزدیکی به مرز سوریه است. ما به نیت یک کار رفته بودیم اما حدودا ۸ تا ۹ خانواده شهید مصاحبه گرفتیم و به آن‌ها پرداختیم. در فضای لبنان و خانواده‌هایی که طرفدار انقلاب اسلامی‌اند، آدم احساس نمی‌کند در غربت زندگی می‌کند. زبان برقراری ارتباط نداشتیم اما فرهنگ‌ها آن قدر شبیه هم بود که مشکلی پیدا نمی‌کردیم اگر هم زبان بلد نبود مشکلی پیدانمی‌کردی. در این سفرها هیچ وقت احساس غربت نکردم، گاهی در کشور خودمان احساس غربت بیشتری می‌کنم. حزب‌الله در سه نقطه گروه‌های مقاومت دارد. ضاحیه در بیروت، دیگری جنوب لبنان که روستاهای مشرف به فلسطین اشغالی است مانند بنت جبیر و روستاهای دیگری مانند صور

ارتباط عاطفی بین شیعیان با گسترش درگیری‌های منطقه رو به فزونی گذاشته و باعث شده است تا پیوندهایی که بین مردم منطقه وجود دارد و نوع نگاه آن‌ها نسبت به مردم ایران تغییرات مثبت فراوانی داشته باشد. این نگرش چکیده سخنانی است که در میزگرد ما با مستندسازان یعنی سیدهاشم موسوی و وحید فراهانی مطرح شد، هنرمندانی که خالصا در منطقه به امر مستندسازی پرداخته‌اند و با حضور میدانی خویش در لبنان و عراق، به ترتیب ۸ و ۵ مستند را به عنوان تهیه‌کننده، مدیر تولید و کارگردان تولید کرده‌اند. آنچه می‌خوانید حاصل میزگرد ما با این دوستان است.

دوهم: اولین گردان‌هایی که به سوریه رفتند عراقی‌ها بودند. در کار دوم فضا را به این سمت بردیم که صدور انقلاب اسلامی را پررنگ تر نشان دهیم که آیا حضور آمریکا را در ائتلاف ضد داعش می‌بینند یا نه. حداقل امکانات را داشتیم. مثلا در مستند اول سه پایه نداشتیم و تنها یک دوربین جمع و جور داشتیم ولی کیفیت کار خوب بود. تجربه سفر اول به سفر دوم کمک کرد که با امکانات بهتری برویم. در فضای بحران نمی‌شود سناریوی خاصی نوشت. تنها می‌توان یک پی‌رنگی از کار در ذهن داشت. اتفاقات در لحظه رخ می‌دهند.

در سفر دوم در بحث عملیات‌ها از دوربین استفاده کردیم. در مستند دوم، شعارهایی که در آنجا گفته می‌شد را در ابتدا و انتهای فیلم آورده‌ایم و در ادامه به صورت عملی آن شعارها را نشان داده‌ایم و می‌خواستیم بگوییم شعار نیست. در این دو مستند راش زیاد داریم اما از صحنه‌هایی استفاده کردیم که نماد باشد مانند نماد جفیه. خواستیم نشان دهیم فرقی با رزمندگان ما نمی‌کنند.

قاعدتا عراق با لبنان تفاوت‌هایی داشت، اولین بار که به عراق رفتید چه تفاوت‌هایی با کار در لبنان داشت؟

موسوی: ابتدا فضا برای ما مشخص نبود و نحوه ورود و پررنگ کردن موضوع معین نشده بود، در نتیجه به این جمع‌بندی رسیدیم که به تنهایی و بدون کمک از نهادهای به عراق برویم به این بهانه که قصد رفتن به یکی از روستاهای کرمان را داریم. تجهیزات و بلیت و ویزا را آماده کردیم و به بغداد رفتیم. ارزش ریالی تجهیزاتی که اجاره کرده بودیم حدود ۳۰ میلیون تومان بود. دو سه روزی در بغداد سرگردان بودیم و به ترندهایی از دست پلیس فرار می‌کردیم که این بحث جدایی است. سال گذشته برای تهیه مستندی به لبنان رفته

چرا لبنان را برای شروع کار انتخاب کردید و چه ویژگی‌هایی در شهدای مدافع حرم برای شما اهمیت بیشتری داشت که به سراغ آن‌ها رفتید؟

موسوی: بحث لبنان حدود ۱۶ ماه پیش و قبل از محرم بود که تحقیقاتش را آغاز کردیم که چه کسانی می‌روند و می‌جنگند و ما چرا از این کسانی که شهید می‌شوند فیلم یا مستندی نداریم. این افراد خانواده دارند اما چیزی از این خانواده‌ها نشان داده نمی‌شود. در این زمینه چند مستند ساختیم که با استقبال زیادی هم مواجه شد. ابتدا در لبنان به خانه شهید مهدی یاغی از شهدای بعلبک رفتیم که شبیه بچه حزب‌اللهی‌ها و رزمنده‌های خود ماست. وصیت‌نامه این شهید را که خواندم انگیزه پیدا کردم که به لبنان بروم. به لبنان و به خانه شهید که رسیدیم روزی بود که در مقبره شهدای لبنان یادواره شهدا بود. به مقبره شهید رفتم و دیدم که همه خانواده‌های شهدا بالای سر قبر شهدایشان هستند و وقتی می‌دیدند ما ایرانی هستیم ما را آن قدر تحویل می‌گرفتند که شرمند می‌شدیم.

چرا به سراغ این سوژه رفتید و ساخت مستندهایی از این دست واقعا چه ضرورتی دارد؟

فراهانی: به عنوان یک جوان ایرانی که علاقه به فیلمسازی دارد، انگیزه اعتقادی برای این کار داشتیم؛ زیرا از آن سمت آن‌ها کار رسانه‌ای می‌کنند. مثلا داعش تصاویری می‌گیرد که ایجاد ترس می‌کند و این طرف ما احساس کردیم کاری انجام نشده و می‌خواستیم قدرت‌نمایی دوستان شیعه را نشان دهیم. در کار اول هم چیزی از داعش نشان ندادیم. نخواستیم ابهت دهیم؛ زیرا مخاطب دیده است و می‌خواستیم جبهه خودی را نشان دهیم. من چیزی از جنگ را از نزدیک ندیده‌ام اما وقتی به عراق رفتم با توجه به آنچه در فیلم‌ها دیده بودم یا شنیده بودم تفاوتی احساس نکردم و دیدم که برای ما می‌جنگند و ابایی ندارند که بگویند ایران قوی است و آن‌ها را جهت‌دهی می‌کند. در کار اول می‌خواستیم بیشتر فضای عراق را نشان



فراهانی: یکی از روزنامه‌ها چاپ کرده بود که جنگ در سوریه برای حزب‌الله به مراتب بهتر است زیرا نیروهای مردمی و بسیجی را در عملیات جدی و واقعی می‌فرستد که مانور نیست

دزهبین | موسوی

○ از آنجایی که دوستان عراقی در زمینه رسانه ضعیف هستند استقبال کردند که ما از دیگر مناطق هم بازدید کنیم و پوشش دهیم.

○ بیشترین شهدایی که در سوریه شهید می شدند از شهر بعلبک لبنان هستند و این به علت نزدیکی به مرز سوریه است.

○ ما به نیت یک کار رفته بودیم اما حدود از ۸ تا ۹ خانواده شهید مصاحبه گرفتیم و به آن ها پرداختیم.

○ وصیت نامه شهید کرار را که خواندم به سراغ این کار رفتم. عراقی ها و لبنانی ها در بحث مهدویت بسیار جلوتر از ما هستند؛ یعنی آن اعتقادی که به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارند باعث شده امام زمان را ملموس تر ببینند.

ولی احساس می کنم آن ها در عسر و حرج هستند و در حالت آماده باش به سر می برند. از نظر فهم زندگی، زندگی ما روزمره و ماشینی شده اما آن ها وقتی شب می خوابند نمی دانند فردا صبح باز زنده هستند یا نه؛ به همین علت امام زمان بیشتر در زندگی شان ملموس است. می پذیرند که امام زمان ظهور می کند. از جنگ با اسرائیل خسته نشده اند. با زن شهید صحبت می کردم، پدر و مادر این شهید می گفتند دلشان برای پسرشان تنگ شده بود اما باز هم می رفتند و می جنگیدند. مادر این شهید گریه می کرد اما می گفت باز هم اگر پسر داشتیم تقدیم می کردم. من خستگی در آن ها ندیدم نه اینکه از جنگ خوششان بیاید اما از جنگ خسته نشده اند. از رزمندگان لبنان در همه جای سوریه حضور دارند مخصوصا در القصیر و القلمون که دست حزب الله لبنان است. این دو شهر کلا دست حزب الله است.

○ تولید این مستندها و زندگی شهدا چه آثاری برای شما داشت؟

فراوانی: همه شهدای لبنانی روی من تاثیر گذاشتند چون هر کدام حس جداگانه ای داشت. یک رزمنده ای بود که با دختری ازدواج کرده بود که حجاب نداشت و توانسته بود تاثیر گذار باشد و آن دختر را با حجاب کند. دو برادر دیگر بودند که وضع مالی خوبی داشتند اما رفتند و شهید شدند. شهید برزای به فاصله ۴۰ روز بعد از شهادت برادرش، شهید شدند. هر کدام ویژگی خاصی داشتند، بی شبیه پیل بودند، متدین بودند، همه چیزشان سر جای خودش بود. آدم های راحتی هستند و مانند ما هل تعارف نیستند. ■



مانند حاج قاسم باعث خوب شدن این روابط شده اند تا این پیوند فرهنگی ایجاد شود و ما در اربعین استفاده کنیم. اسم گذاری مستند هم به همین دلیل بود که عشق، مرز نمی شناسد.

وقتی آقا می گوید شیعه انگلیسی؛ فکر می کنیم بحث شیعه و سنی است اما گاهی شیعه انگلیسی این رابطه را هم خراب می کند. این رابطه براساس عشق و ولایت ایجاد شده است. چرا حسادت کنیم که این رابطه ایجاد شده است؟

○ از تجربیاتتان در ساخت مستندهایی که برای شهدای مدافع حرم لبنان ساخته شد بیشتر برایمان بگویید.

موسوی: در لبنان اسم مستندهایی که ساختیم «کرار»، «سراج»، «صور» و «همه عمر من، همه زندگی من» مربوط به شهید شرف الدین بود. دو برادر بودند شهید برزای، دو برادر دیگر شهید عطار، شهید شاطری را کار کردیم که شبکه افق پخش کرد. وصیت نامه شهید کرار را که خواندم به سراغ این کار رفتم. عراقی ها و لبنانی ها در بحث مهدویت بسیار جلوتر از ما هستند؛ یعنی آن اعتقادی که به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارند باعث شده امام زمان را ملموس تر ببینند. تا نام امام زمان می آید دست روی سرشان می گذاشتند و بلند می شدند. شاید آن ها بیشتر در اضطراب هستند اما ما فقط در شعر و سخنرانی و روضه ها نام ایشان را می بریم که مجلس خالی از لطف نباشد.

ده ها گروه مقاومتی مانند یمنی، لبنانی، افغانی و پاکستانی در سوریه می جنگند و اگر اتفاقی بیفتد این گروه ها به هم کمک می کنند و مانند سال ۲۰۰۶، حزب الله تنها نیست. مثلاً برای تشییع جنازه جهاد مغنیه شخصی مانند مقتدا صدر به تشییع او می رود. مقتدا صدر یک وزنه است و بقیه افراد مهم بیانه صادر می کنند و این نشان دهنده ایجاد ارتباط و همبستگی بین گروه هاست.

○ به عبارتی شما داعش را فرصتی در عین تهدیدی می دانید؟

موسوی: داعش را تهدیدی می دانم که به فرصت بدل شد. اگر داعش به وجود نمی آمد شاید این فرصت ایجاد نمی شد و بهتر است از تهدیدها فرصت ایجاد شود که این فرصت هم به لطف ائمه اطهار (علیهم السلام)



ایجاد شد؛ چیزی که باعث وحدت آدم هایی می شود که شاید در حالت عادی هیچ وقت کنار هم قرار نگیرند. سال های گذشته به این کشورها می رفتم ارتش ها وقتی می فهمیدند من ایرانی ام تحویل نمی گرفتند اما اکنون می فهمند اگر ایران نبود، بغداد سقوط کرده بود. چه اتفاقی افتاده که غرورش بر فهمش غلبه نکرده و پذیرفته است؟ غرور عرب ها اجازه نمی دهد اشتباهشان را قبول کنند اما این ها این مسئله را فهمیدند حالا که آن ها کنار ما آمده اند نباید با یک سری کارها و ادبیاتمان و خط کشی کردن و مرزبندی کردن، این شرایط را خراب کنیم. ترس من از این است؛ زیرا هر دفعه مسئله ای خوب شده ما آن را خراب کرده ایم. افراد شاخصی

می توانند به توان حزب الله بیفزایند. بحث بصیرتی که این افراد داشتند برای ما مهم بود و بحث صدور انقلاب. حرف هایی بلد بودند که ما یا بلد نیستیم یا بلدیم ولی عمل برابر داعش و آمریکا و اسرائیل را توانستیم به نمایش بگذاریم بدون اینکه یک کلمه از ما به زبان آن ها جاری شود و بخواهیم ما بازسازی و کارگردانی کارها را داشته باشیم. در اسمی که برای این مستند به نام «بدون مرز» انتخاب کردیم، فضای جغرافیایی مطرح نیست، این صدور انقلاب و ایران است.

○ در عراق هم اوضاع به همین منوال است؟

فراوانی: دقیقاً بعد دیگر در بحث عراق این است که قبلاً تنها حزب الله لبنان بازوی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف بود اما اکنون عراق تبدیل به ده ها گروه حزب الله لبنان شده است. آموزش می بینند و با فرهنگ جمهوری اسلامی ایران عجین شده اند، آرمان های انقلاب اسلامی را پذیرفته اند و دیگر یک حزب الله لبنان در دنیا وجود ندارد که الزاماً بخواهد از ایران دفاع کند الان عراقی ها هم به این جریان پیوسته اند و ده ها گروه مقاومت تشکیل می دهند. در سوریه هم اوضاع همین گونه است. اگر اسرائیل به لبنان حمله کند همان طور که الان حزب الله لبنان هم پای نیروهای عراقی می جنگد و به آن ها آموزش می دهد، رزمنده عراقی وقتی می بیند رزمنده لبنانی در کنار او می جنگد فردا روزی اگر در لبنان جنگ شد رزمنده عراقی هم به او کمک می کند. اسرائیل و آمریکا داعش را راه انداختند تا مقاومت را تضعیف کنند. اعتقاد دارم مقاومت ورزیده تر می شود همان طور که جنگ هشت ساله نیروی نظامی ما را قدرتمندتر کرد و توان نیروی موشکی به ما داد. اکنون